

شورای نگهبان

صلاحیت ۲۳۴ تن از داوطلبان را رد کرد

• تنها صلاحیت ۴ تن از داوطلبان تأیید شد

همان طور که انتظار می‌رفت، شورای نگهبان بر روی اسامی ۲۳۴ نفر از ۲۳۸ نفری که برای نامزدی انتخابات ریاست جمهوری ثبت نام کرده بودند، خط قرمز کشید و اعلام کرد که رئیس جمهور آینده از بین ۴ نفری که صلاحیتشان تأیید شده است، انتخاب خواهد شد. افراد مورد تأیید شورای نگهبان عبارت‌اند از:

۱ - علی اکبر ناطق نوری «رئیس مجلس شورای اسلامی»
۲ - محمد محمدی ری‌شهری «وزیر پیشین اطلاعات و امنیت و سرپرست و نماینده خامنه‌ای در سازمان حج و زیارت»
۳ - سیدرضا زواره‌ای «عضو شورای نگهبان و رئیس سازمان ثبت اسناد کشور»
آدمه در صفحه ۳



در زلزله قائن و بیرجند فقط درختان سالم ماندند

• بیش از ۷۰ هزار نفر بی‌خانمان شده‌اند.

• جمهوری اسلامی کمک‌های نقدی اروپائیان را دریافت کرد ولی امدادگران را به ایران راه نداد.

اول، بیش از ۲۰۰ پس‌لرزه در روزهای متوالی منطقه را تکان داد. شدیدترین پس‌لرزه‌ها که صبح روز چهارشنبه روی داد، ۵/۶ درجه در مقیاس ریشتر بود که بر دشواری کار امدادگران و وسعت ویرانی افزود. براساس گزارش مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، مرکز زمین‌لرزه در ۱۰۵ کیلومتری بیرجند و در ۱۱۰ کیلومتری مرز ایران و افغانستان قرار داشت و شدت آن به حدی بود که مردم کاشان در مرکز ایران و هرات در داخل خاک افغانستان و ادامه در صفحه ۳

را ویران کرد، هزاران کشته و زخمی برجای نهاد و باعث نابودی هستی و بی‌خانمانی بیش از ۷۰ هزار نفر شد. کسانی که از این زلزله جان سالم به‌در برده بودند، در وحشت از پس‌لرزه‌ها شب را در خیابان‌ها و در فضای باز گذراندند. در پی زمین‌لرزه

روز شنبه ۲۰ اردیبهشت ماه، ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه و ۵ ثانیه زمین لرزه‌ای به شدت ۷/۱ درجه در مقیاس ریشتر، استان خراسان را لرزاند. زمین لرزه‌ای مهیب که مرگ، ویرانی، وحشت و مصیبت با خود به ارمغان آورد و در فاصله چند ثانیه شهرهای قائن و بیرجند و صدها روستای منطقه

جنگ جناح‌ها برای گرفتن قوه مجریه

اوج گرفته است

• مهدوی کنی: وعده سپردن مدیریت به زنان برای جلب آرای

آن‌هاست.

• خامنه‌ای: من کاندیداها را بهتر از همه می‌شناسم و نسبت به آنان

در صفحه ۳

بی‌نظر نیستم

شورای نگهبان

جمهوری اسلامی:

زن بودن خود

دلیل عدم

صلاحیت است!

در صفحه ۲

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از شرکت در انتخابات ضد دمکراتیک ریاست جمهوری رژیم خودداری کنید

در صفحه ۲

بنی‌صدر در مصاحبه با نشریه کار:

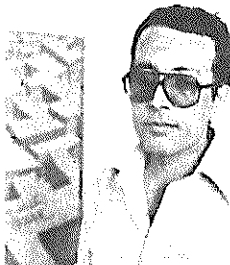
رژیم فاقد هرگونه مشروعیت در درون و بیرون از میهن است

در صفحه ۷

نخل تلایی جشنواره کان

برای «طعم گیلاس» کیار ستمی

در صفحه ۶



بیانیه حزب کمونیست عراق پیرامون

قتل عام زندانیان سیاسی این کشور

در کمتر از سه هفته ۴۵۰ نفر اعدام شده‌اند. معروف است که این قربانیان بارها به خاطر جرایم ساختگی دادگاهی شده که البته بزرگ‌ترین جرم آنها مخالفت با رژیم دیکتاتوری صدام بوده است.

دلیل این قتل عام از نظر حزب کمونیست عراق این است که رژیم عراق باید در آینده‌ای نزدیک درهای زندانهای این کشور را به روی ناظران بین‌المللی باز کند و به همین خاطر این رژیم تصمیم گرفته تا زندان «ابو جرائب» را به قول خودش «پاک سازی» نماید. حزب کمونیست عراق از گزارشگر سازمان ملل در مورد عراق از آقای «فان در استول» و سازمانهای مدافع حقوق بشر و همه دوستان دمکرات های تحت تعقیب عراق درخواست می‌کند تا برای

بر اساس بیانیه‌ای از طرف حزب کمونیست عراق در زندان «ابو جرائب» این کشور در عرض دو هفته ۶۰۰ زندانی سیاسی اعدام شده‌اند. در این رابطه کمیته ویژه‌ای متشکل از سه «قاضی» که در ارتباط مستقیم با دفتر ریاست جمهوری می‌باشد فهرستی از اسامی زندانیان اعدامی را تهیه نموده است. به تاریخ ۲۶ فوریه ۸۰ نفر اعدام گردیدند و همچنین ۳۶ نفر دیگر نیز به تاریخ ۵ مارس به قتل رسیدند. این قتل عام بعد از دیدار پسر صدام حسین که رئیس سازمان امنیت عراق می‌باشد صورت گرفت. بنا به دستور او کمیته زندان و کمیته ویژه طرح زمانبندی شده‌ای را جهت به قتل رسانیدن همه آن زندانیانی که تاکنون زنده مانده‌اند را تهیه کرده و پس از آن چندین بار در هفته اعدامهایی صورت گرفته است.

جلوگیری از ادامه قتل عام زندانیان اقدام نمایند. حزب کمونیست عراق یادآور می‌شود که در این کشور مخالفان رژیم در دادگاه های در بسته بدون برخورداری از حقوق ابتدایی و یا وکیل مدافع محاکمه می‌شوند و جلوی این عمل را می‌توان تنها از طریق فشارهای بین‌المللی گرفت. حزب کمونیست عراق خواستار آن است تا ناظران بین‌المللی هر چه سریع‌تر به زندانهای رژیم دیکتاتور عراق روانه گردند.

صدور حکم بازداشت سه تن از اعضای

وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی

کرده‌است. وی گفت: از دادرسی آلمان فدرال خواسته‌است قرار بازداشت بین‌المللی این سه تن را صادر کند. دو نفر از آنان در جریان عملیات نقش تدارکاتی داشتند و نفر سوم متهم است که قاتلین را پس از اجرای عملیات پنهان کرده‌است تا سر فرصت از خاک آلمان خارج شوند. ادامه در صفحه ۳

پنج هفته پس از صدور رأی دادگاه میسونوس، روز پنجشنبه گذشته «کای‌نم» دادستان کل آلمان فدرال اعلام کرد تحقیق در پرونده سه تن از اعضای وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی را به اتهام شرکت در قتل رهبران حزب دمکرات کردستان در رستوران میسونوس برلین آغاز

شما رای بدهید

ما انتخاب می‌کنیم

رد صلاحیت ۲۳۴ تن از ۲۳۸ نامزد هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، حذف نامزدهای مستقل و سخنان جنتی سخنگوی شورای نگهبان در توجیه آن، آئینه تمام‌نمایی از ماهیت و عملکرد ضد دمکراتیک و قیام‌آبانه رژیم فقها است. آنها بر اساس دیدگاهها و تصمیم شورای نگهبان و سرکردگان اصلی رژیم اسلامی حذف شده‌اند.

برخورد شورای نگهبان دقیقاً ناشی از ماهیت نظام ولایت فقیه است. نظامی که در آن به انسانها نه بعنوان انسانهای بالغ و صالح، بلکه بمثابه افراد فاقد شعور که نیاز به قیم دارند، نگریده می‌شود. این نظام برای مردم حق تشخیص و انتخاب قائل نیست و آشکارا به مردم می‌گوید تنها به چهار نفری که فقهای ما برگزیده است می‌توانید رای دهید. بی‌دلیل نیست که بر در و دیوار تهران مردم به طنز از قول حکومتیان نوشته‌اند رای از شما انتخاب از ما.

تأیید صلاحیت ۴ نفر از ۲۳۸ نفر کاندیدا نمود آشکار انتخاب رئیس جمهور نه توسط مردم، بلکه انتصاب از جانب فقها است. نظام ولایت فقیه و شورای نگهبان آن اساساً به انتخاب مردم اعتقادی ندارند و انتخابات را بمثابه «زینت» نظام تلقی می‌کنند. بی‌دلیل نیست که بر در و دیوار تهران مردم از قول حکومتیان نوشته‌اند: رای از شما، انتخاب از ما.

در قانون اساسی دست‌پخت نظام اسلامی، شورای نگهبان باصلاح پاسدار قانون است. ولی عناصری قانون شکن، مرتجع و سرکوبگر در شورای نگهبان جمع شده‌اند. جنتی سردسته چماقداران که فرمان حمله به سخنرانی‌ها، گردهمایی‌ها و کتابفروشی‌ها را صادر می‌کند، در سمت سخنگوی شورای نگهبان قرار گرفته است. طبعاً کسانی که با چماق با مردم سخن می‌گویند نه می‌توانند پاسدار قانون باشند و نه به مردم امکان انتخاب آزاد را می‌دهند. آنها انتخاب خود را با چماق بر مردم دیکته می‌کنند.

شورای نگهبان حتی برای مردم این حق را قائل نیست که از بین چهار نفر، فرد مورد نظر خود را انتخاب کنند. آنان با ردیف کردن اسامی مطابق خواست خود و قرار دادن اسم ناطق نوری در ردیف اول و اعلام آن به حوزه‌های انتخاباتی جهت نصب روی دیوار، می‌خواهند انتخاب خود را به مردم تحمیل کنند.

برخورد شورای نگهبان و حذف ۲۳۴ تن از کاندیداها نشان داد آن امیدهایی که نزد برخی از نیروها وجود داشت و انتخابات را «فرستی برای پایان دادن به دو دهه انحصار طلبی، قانون شکنی، خشونت، تجاوز و استبداد...» تلقی می‌کردند، تا چه اندازه توهم بوده است. کاندیداهای مستقل نه تنها امکان تبلیغ پیدا نکردند، بلکه بعد از چند روز از اعلام داوطلبی، آنها «با امواج پی در پی خشونت و فشار از سوی نهادهای رسمی و باند‌های سرکوبگر روبرو شدند که با حمایت مستقیم نیروهای امنیتی و انتظامی در سراسر کشور از تشکیل سخنرانی و بحث و گفتگو با مردم جلوگیری کرده و با ضرب و شتم و ایجاد رعب، اجتماعات مردم را پراکنده می‌ساختند.» (از اعلامیه دکتر پیمان)

برخورد رژیم فقها با کاندیداهای مستقل قابل پیش‌بینی بود. آنها نه امکان ادامه در صفحه ۲

زن بودن خود دلیل عدم صلاحیت است

شورای نگهبان ۸ کاندیدی از زن ریاست جمهوری را از لیست حذف کرد و دبیر شورای نگهبان اعلام کرد که به دلیل زن بودن آنها، دیگر نیازی به بررسی شرایط بعدی نبود و به این دلیل رد شدند. بدین ترتیب به بحث امکان رئیس جمهور شدن زن که عمدتاً از طرف زنان درون و بیرون دولت مطرح شده بود، نقطه پایان گذاشته شد. تاکنون مقامات حکومتی با عدم موضع‌گیری صریح در مورد این بند قانون اساسی، عملاً به توهم پراکنی پیرامون امکان بدست آوردن مسئولیت سیاسی راه‌های بالا توسط زنان، دامن می‌زدند. هم‌زمان، خامنه‌ای در سخنانی گفت اگر به خاطر نزدیکی یا غرب بیابیم طوری درباره زن حرف بزنیم که با نظر اسلام مخالف باشد، خطاست. آنها (غربی‌ها) باید نقطه نظرات خود را به ما نزدیک کنند.

جمهوری اسلامی که بر اساس ساختار فکری خود، رده‌بندی جنسی، فرمول‌بندی وظایف متفاوت برای دو جنس، سپردن مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی به مردان و تعیین حیطه خصوصی به عنوان عرصه حضور زنان را مبنای سیاست‌های خود قرار داده و با واقعیت‌های حضور و نقش زنان، در حقیقت به تناقض و بن‌بست جدی شده است. از قبل از انتخابات مجلس پنجم، برای برون‌رفت از بن‌بست شیوه‌های مختلفی در پیش گرفته شد: هم‌زمان با سرکوب زنان به بهانه تهاجم فرهنگی، برخی از مسئولین به دفاع از حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجرایی و سیاسی پرداختند. در انتخابات مجلس پنجم، زنانی حکومتی و غیر حکومتی با کاندیدا شدن به مقیاس وسیع تر نسبت به انتخابات دوره‌های قبل و با مطرح کردن برخی از تضییقات جمهوری اسلامی در مورد زنان، در حقیقت به اعتراض به نقش درجه دوم خود دست زدند. موضوع رفع تضییقات از زنان «به شیوه اسلامی» به یکی از محورهای بحث و عرصه‌های تبلیغاتی روز تبدیل شد. مسئولان در هر رده‌ی به مسابقه درین زمینه پرداختند تا جایی که ری شهری یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری اعلام کرد که در صورت انتخاب شدن وزارت امور زنان تشکیل خواهد داد.

مجموعه این روندها، برخی از زنان غیرحکومتی را به این توهم کشاند که بسیاری از حقوق سرکوب‌شده زنان توسط جمهوری اسلامی به مرور قابل دستیابی است و بایستی برای برداشته شدن آبه‌ها و هم‌چنین از قوانین کوشید. این تلاش‌ها حکومت اسلامی را بیشتر در بن‌بست قرار می‌دهد ولی کاملاً آشکار است به تعبیری در جایگاه زن در سیستم ساخته و پرداخته جمهوری اسلامی منجر نمی‌شود.

گام اساسی برای ایجاد برابری جنسی، از حاکمیت انداختن و زدودن آن تفکرات و قوانینی است که از نقش، دو وظیفه و دوره برای زن و مرد تعیین می‌کند. این قوانین و تفکرات منشأ ایدئولوژیکی و دینی دارند؛ که خود را در نظامی دین سالار تعیین و حاکمیت می‌بخشند. راه رسیدن به آن برابری از نقطه عزیمت مبارزه برای جدایی دین از حکومت می‌گذرد و نه در چا‌وچوب ارائه برداشت دیگری از دین. نه به وسیله ارائه درک دیگری از فقه بلکه اساساً در راستای جدایی فقه از قوانین. تمامی قوانین نوشته و نانوشته در مورد زنان که در جمهوری اسلامی تدوین و اجرا می‌شود و تمامی اقدامات حکومتیان، در خدمت حفظ بنیان‌های این نظام دین‌سالار به منزله یک واحد یگانه قرار دارد. هر آن‌گاه که والی و والیان این نظام فقهانی، تشخیص دهند که از آن خط قرمز عبور و تخطی می‌شود، خود وارد صحنه می‌شوند. همچنانکه خامنه‌ای مرتجعانه با عتاب به حکومتیان تهنیت می‌زند: «اگر طوری در باره زن حرف بزنیم که با نظر اسلام مخالف باشد، خطاست».

شما رای بدهید، ما انتخاب می‌کنیم

ادامه از صفحه اول

تبلیغ پیدا کردند و نه صلاحیتشان تأیید شد. بعلاوه آنها برای تشکیل قطبی از نیروهای اپوزیسیون تلاشی نمودند تا در سطح بین‌المللی بمشابه بخش قابل توجهی از نیروهای اپوزیسیون شناخته شوند. در چنین شرایطی حمایت از کاندیداهای مستقل نمی‌توانست معنی و مفهومی داشته باشد و بیش از اینکه زمینه یک مبارزه علنی برای آزادی احزاب و مطبوعات و سایر پیش‌شرط‌های انتخابات آزاد را فراهم سازد، به گسترش توهم نسبت به رژیم فقهی و انتخابات ریاست جمهوری دامن می‌زد.

در روزهای قبل از برگزاری انتخابات، درگیری بین جناح‌های حکومتی حدت یافته است. جناح رسالت حاضر به پذیرش رای مردم حتی در بین چهار نفر نیست. این جناح از جلب آرا مردم توسط خاتمی به هراس افتاده است. آنها با توسل به اقدامات مختلف، می‌خواهند کاندیدی خود را از صندوق‌های رای بیرون آورند. ایجاد رعب و وحشت، راهی کردن چماق‌داران انصار حزب‌الله به خیابانها و سردادن شعار «مرگ بر خاتمی»، بهم‌زدن سخنرانی‌های خاتمی، پخش شبنامه علیه او، خاموش کردن برق در تعدادی از شهرستانها هنگام سخنرانی خاتمی از رادیو و تلویزیون، فشار به خامنه‌ای برای اعلام موضع صریح‌تر در حمایت از ناطق‌نوری تنها بخشی از اقدامات این جناح است. اگر این جریان با وجود این سلسله اقدامات، احساس کند که در انتخابات ریاست جمهوری بازنده می‌شود، بعید نیست که نیروی سپاه و بسیج را به میدان آورد.

گرچه فعالیت تبلیغاتی خاتمی در چند ماه گذشته، تأکید او بر آزادی‌های سیاسی و حکومت قانون، دفاع خط امام و کارگزاران از او، به جلب قشرهای وسیعتری از او منجر شده است و به همین سبب نگرانی جدی هیئت مؤتلفه، جامعه روحانیت مبارز و تشکل‌های همسو را فراهم آورده است، ولی در شرایط کنونی با توجه به قبضه ارگانها و نهادها توسط جناح رسالت، طرفداری اکثر ائمه جمعه از ناطق‌نوری و تبدیل کردن مساجد به پایگاه تبلیغاتی او و با درنظر گرفتن جو ارباب و وحشت و موضع‌گیری‌های اخیر خامنه‌ای بسود ناطق‌نوری، احتمال پیروزی خاتمی بالا نیست. در رژیم فقهی رای مردم تعیین‌کننده نیست. این نظر فقهی است که پیش‌برنده است.

در مجموع می‌توان گفت نتیجه انتخابات از قبل معلوم است. ممکن است انتخابات به دور دوم کشیده شود ولی به احتمال زیاد در دور دوم این جناح با خشونت و وحشی‌گری بیشتر وارد میدان خواهد شد تا قدرت را انحصاراً بدست خود گیرد.

جناح رسالت نخواهد گذاشت که خاتمی در انتخابات پیروز شود. اما به فرض اگر خاتمی در انتخابات برنده شود با توجه به اینکه تمام ارگانها و نهادها در دست این جریان است و خامنه‌ای نیز عمدتاً جانب آنها را دارد، تحت فشار ولی فقیه و این جناح نخواهد توانست کار چندانی پیش ببرد و مجبور خواهد شد یکتار رود و یا به سیاستهای آنها تمکین کند.

هم‌میهنان!

برنامه‌ریزی حکومت‌گران ولایت فقیه برای تعیین رئیس جمهور تازه، با اعلام نظر فقهی شورای نگهبان دایر بر اینکه از میان بیش از دویست نفر کاندیدا تنها چهار نفر آنها واجد صلاحیت ریاست جمهوری در این رژیم هستند، به مرحله‌ی نهایی خود نزدیک شده است. سردمداران رژیم اکنون در انتظار از سرگرداندن روز دوم خرداد ماه هستند که مطابق برنامه‌ی آنها می‌باید آینده‌ی کشور با حضور بخش وسیعی از «امت» در پای صندوق‌های رای رقم بخورد.

هم‌میهنان!

نظام جمهوری از دست‌آوردهای والای شما در انقلاب بهمین بوده است. حق مسلم شماست که در این نظام رئیس جمهور بر مبنای رای و اراده‌ی آزاد مردم انتخاب شود. این حق و دست‌آورد، اما از همان آغاز و به‌ویژه در سال‌های انحصار قدرت روحانیت، پایمال ولایت فقیه و نگاهبانان نظام فقهانی شده است. هفتمین دور انتخابات ریاست جمهوری در رژیم، نمونه‌ی بارز دیگری - و در واقع متضخ‌ترین نمونه - از دهن‌کجی ولی فقیه و ارگان‌های پاسداری نظام چون شورای نگهبان به این حق طبیعی شما است. سران حکومت از طریق ارگان

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

از شرکت در انتخابات ضد دموکراتیک ریاست جمهوری رژیم خودداری کنید!

هم‌میهنان!

رژیم جمهوری اسلامی حق مردم برای ابراز آزادانه‌ی رای و نظر را از آنها می‌گیرد و در همان حال برای آنان وظیفه‌ی شرکت در انتخابات خودشان را تعیین می‌کند. از حق دموکراتیک خود دفاع کنید و به وظیفه‌ی تسخیمی ضدموکراتیک تن ندهید. جمهوری با ولایت فقیه سرسازگاری ندارد و بحران رژیم فقهانی که پیوسته روبه تعمیق بیشتر است، تنها در شرایط انزوی آن چه در نزد مردم کشور و چه در سطح بین‌المللی است که شتاب خواهد یافت و زمینه برای عقب‌نشینی ولایت فقیه در برابر رای و اراده‌ی آزاد مردم مساعدتر خواهد شد. با عدم شرکت در انتخابات حکومتی، به فضای ترور، توطئه و ارباب و خیره‌سری اعتراض کنیم؛ در برابر یکه‌تازی شورای نگهبان بر حق طبیعی خود در انتخاب آزادانه‌ی رئیس جمهوری با‌یستیم، پشتیبان اعتراض کاندیداهای مستقل و آزادی‌خواه علیه رد صلاحیتشان توسط شورای نگهبان باشیم و انزوی رژیم ولایت فقیه را هرچه بیشتر به نمایش بگذاریم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
هفدهم اردی‌بهشت ۱۳۷۶

تحمیلی خود بر قانون اساسی، یعنی شورای نگهبان حتا کاندیداهایی را هم که التزام خود را به قانون اساسی جمهوری اسلامی، به صراحت اعلام داشته بودند، خیره‌رانه حذف کردند. از نظر این ارگان فوق‌ارتجاعی و مستبد، تبلیغات وسیع امثال ناطق‌نوری از یک‌سال پیش از اعلام «صلاحیت» و آن‌هم با سوءاستفاده از نهادهای قدرت و بودجه‌ی دولت گویا اشکسال قانونی نداشت ولی کاندیداتوری بیش از دویست نفر دیگر که برخی از آن‌ها قطعاً و بعضی‌شان احتمالاً می‌خواستند با مردم به زبان و شیوه‌ی متفاوت از قدرت‌مندان سخن بگویند، یا کاندیداتوری یک زن، به صرف زن بودن اشکال به‌اصطلاح شرعی و قانونی داشته است.

هم‌میهنان!

سردمداران رژیم و در رأس آنان شخص ولی‌فقیه، در زمینه‌ی انتخابات ریاست جمهوری مطلوب خود دو سیاست را در کنار هم به اجرا گذاشته‌اند: سیاست به اصطلاح «داغ کردن تئور انتخابات» - اصطلاحی که خود آنها ابداع کرده‌اند - و سیاست نشاندن فردی بر کرسی ریاست جمهوری که مدافع قسم‌خوردی ولایت فقیه باشد و جزو محارم و خودی‌ها به‌حساب آید. از نظر سران

در سال‌گرد آزادی خرم‌شهر

به یاد فدائیان جان‌باخته راه میهن

گرفتم تا میهن را برهانیم. صدام حسین آمده بود تا «پیروزی جنگ قادسیه» را بازآفریند و ما باز دوشادوش هم‌میهن‌مان ایستادیم تا چنین نشود و خاک میهن‌مان در چنگال بیگانه گرفتار نیاید. ایستادیم و جنگیدیم، آنگونه که شایسته نام و آوازه‌مان بود. ده‌ها تن از فدائیان جان باختند. سینه پرشور دها تن از یاران ما با شیدایی میهن و در راه آن به خون آغشته شد، بی آن که دمی سر در برابر بیگانه فرود آورند.

افسوس که دشمن خانگی نیز بود. دشمنی که نبرد یک‌پارچه و جانانه ما ایرانیان در برابر یورش بیگانه به خانه‌مان را مایه سرکوب ما و بنیای بنای زورمداری و کیش‌سالاری کرد، دشمنی که ما فدائیان را و دیگر میهن‌دوستان راستین را، به سیاه‌چال‌ها می‌کشت. دشمنی که پیکر ما را هر آن‌جا که می‌توانست، در نخستین سنگ‌های «خودی» نیز، از پشت آماج گلوله‌های کینه و تاریک‌اندیشی کرد. ما و بس‌بیشترین هم‌میهن‌مان پاک‌بازانه در راه آزادی میهن و دور کردن دست دشمن می‌جنگیدیم، ولی دشمن خانگی را مهر میهن در دل نبود. او می‌خواست تاریک‌اندیشی خود را با سودجویی از بدبختی پیش‌آمده، به بهای جان کودکان، نوجوانان و جوانان، با کینه و کشتار در کشور استوار سازد و به دیگر کشورها برد.

تا آن روز که خاک ما در دست دشمن بود، از جان نیز دریغ نمی‌کردیم. و چنین هم بود که توانستیم بیش از یک سال و نیم پس از پاک‌داشتن نخستین سربازان صدام حسین به میهن، آنان را باز پس رانیم و ایران را از قید بیگانه برهانیم. و این بود چرایی شادی مردم ما. همگان بران بودند که جنگ را به پایان برده‌اند. چنین نشد. این بار برگ به زبان ایران برگشت. ایرانیان را به آن کشاندند که به خاک کشوری همسایه با گذارند و مردمی دیگر را به هوس فرستادن شومی و ناپاکی،

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به یاری زلزله‌زدگان بشتاییم

هم‌میهنان!

متأسفانه زلزله بار دیگر در میهنمان فاجعه به‌بار آورد. حداقل ۲۴۰۰ کشته، ۶ هزار مجروح، ۵۰ هزار آواره و بی‌خانمان و بیش از ۲۰۰۰ آبدادی ویران، حاصل زلزله‌ای است که روز شنبه ۲۰ اردی‌بهشت، منطقه‌ای را در جنوب خراسان، بین بیرجند و قان، و بخش‌هایی از افغانستان را لرزاند. شمار کشته‌شدگان هنوز قطعی نیست و هر دم فزونی می‌یابد. منطقه به ویرانه‌ای تبدیل شده است و کمک‌رسانی از راه زمین به‌دلیل فقدان راه‌های ارتباطی مناسب به‌دشواری صورت می‌گیرد. بدون تردید فقر شدید حاکم بر روستائیان و آسیب‌پذیری فوق‌العاده‌ی منازل آنان در برابر زلزله، در این منطقه که از مدت‌ها پیش به‌عنوان یک منطقه‌ی زلزله‌خیز شناخته شده است، موجب فاجعه‌ای با این ابعاد گسترده شده است و پس از وقوع فاجعه، به علت نبودن راه‌های مناسب دست‌رسی به آسیب‌دیدگان از سوی و تعلل رژیم جمهوری اسلامی برای پذیرش کمک از همه‌ی کشورهای که اعلام آمادگی برای کمک کرده‌اند از سوی دیگر، میزان خسارت‌ها بیشتر از حدود متعارف بوده است.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) این فاجعه‌ی دردناک را به بازماندگان آن و به مردم ایران تسلیت می‌گوید و عموم مردم و سازمان‌های بشردوست بین‌المللی را به کمک‌رسانی عاجل به زلزله‌زدگان فرا می‌خواند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۱ اردی‌بهشت ۱۳۷۶

نمودن ناخواسته و ناگفته آن همه تلاش بی‌چشم‌داشت و آن همه جان‌های پاک رفقایی فدائیی‌مان پیموده شد که از سنگ‌های پاس‌داری از میهن دیگر هرگز به خانه‌ها بازنگشتند. گام پسین این راه هنگامی برداشته شد که به نادرست‌ترین گام همه زندگانی سیاسی‌مان چند صباحی در کشور راه اهریمنی فرمان‌روایان کشور راه پیمودیم. آن‌گاه که این نادرست را در‌یافتیم و خود را از آن آلودگی پس‌الاییدیم، کوشیدیم آن تلاش‌ها و ارزش‌ها را باز به‌نامیم. هر‌گاه در سازمان ما کسی در باره‌ی جسان‌باختگان آن سخن گوید، جسان‌باختگان جنگ با عراق را «جان‌باختگان ستم‌دیده» می‌نامد. وبه راستی چنین هم بوده است. در این سالروز خجسته یاد یکایک ایشان را بزرگ می‌داریم و ارج می‌نهیم. کاری که ایشان کر به آن بستند، به بزرگی راه و کاری است که یکایک دیگر جسان‌باختگان فدائی پندارهای پوچ خود بها نمی‌دادند. جشن ما جای خود را به ماتم داد. و این گونه بود که نخستین گام بیهوده

«صدور انقلابی» که برای مردم و میهن خود ما نیز می‌وای خوش‌آیند و خجسته نداشت به خاک و خون کشند و خود نیز به خاک و خون کشیده شوند. آن روز که خرمشهر آزاد شد، ما مردم سر از پا نمی‌شناختیم و ما فدائیان خلق، اندوهمند یاران گرامی و از دست رفته، و سربلند از تلاش در راه میهن و بهروزی مردم، می‌دانستیم که خون رفقایی‌مان بر باد نرفته است. ما مردم سرشار از امید و آرزو بودیم. امید به این که هر چه زودتر، از همین فرده، از هم اینک آستین برای آبادی و بازسازی و ویرانه‌های جنگ شوم بالا زینم و آرزوی این که هر چه زودتر میهن خود را آبادان بینیم. دشمن خانگی اما جنگ را هم‌چنان پی گرفت. جنگ بس‌ترتی خواه‌مانه و سروری جویانه. ایرانیانی که پس از خرداد ۶۱ می‌شدند، قسربانیان فرمان‌روایان کیش‌آینی بودند که جان آدمیان را بیش از خست ساختن سوگ‌خانه پندارهای پوچ خود بها نمی‌دادند. جشن ما جای خود را به ماتم داد. و این گونه بود که نخستین گام بیهوده

شورای نگهبان صلاحیت ۲۳۴ تن از داوطلبان را رد کرد

در زلزله قائن و بیرجند فقط درختان سالم ماندند

ادامه از صفحه اول

محمد خاتمی «وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کتابخانه ملی و مشاور فرهنگی هاشمی رفسنجانی».

در میان ۲۳۸ نفر از داوطلبان نامزدی انتخابات ریاست جمهوری ۹ نفر زن بودند.

ابراهیم یزدی، علی‌اکبر معین‌فر، عزت‌الله سبحانی و دکتر حبیب‌الله پیمان رهبر جنبش مسلمانان مبارز جزو ۲۳۴ نفری هستند که شورای نگهبان به آنان اجازه نداد کاندیدای مقام ریاست جمهوری شوند.

پیرامون رد صلاحیت معین‌فر، یزدی، پیمان، سبحانی و سایر کاندیدها، آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان گفت: نامزدی برخی از افراد شناخته شده، برای شورا این سؤال را پیش آورد که اصلاً این‌ها چگونه ثبت نام کرده‌اند، جای تعجب دارد که برخی از این افراد حتی به دادگاه غیر ایرانی الاصل بودن و تابع ایران بودن شرط دیگری نداشتند. برخی‌ها هم بسیار ناشناخته بودند، برخی تعادل روانی نداشتند یا تحصیلات ابتدایی داشتند. بعضی‌ها هم فقط سواد خواندن

و نوشتن داشتند. برخی در مسایل سیاسی مشکل داشتند، مثلاً تفکرات مارکسیستی داشتند یا سابقه عضویت در گروه‌های ضدانقلاب و سابقه هواداری از گروه‌های محارب را داشتند. جنتی در ادامه افزود: البته بعضی‌ها هم بودند که تحصیلات عالی داشتند و از نظر علمی و جهات اخلاقی ضعیفی نداشتند ولی شرط رجل سیاسی - مذهبی را دارا نبودند. رجال سیاسی - مذهبی یعنی کسانی که در این عرصه‌ها ورزیده‌اند و شخصیت شناخته شده سیاست یا مذهب باشند یعنی در این موارد صاحب نظر باشند. به هر حال این شرایط در بسیاری جمع نبود و رد شدند.

دبیر شورای نگهبان پیرامون رد صلاحیت ۹ نفر از زنانی که کاندیدا شده بودند، گفت: این‌ها همان مشکل اول را داشتند یعنی از رجال سیاسی و مذهبی نبودند و این شرط آنان را شامل نمی‌شد و به همین دلیل دیگر نیازی نبود تا شرایط بعدی آنان بررسی شود و به این دلیل رد شدند. در واکنش به تصمیم شورای نگهبان، عزت‌الله سبحانی در گفت و گو با رادیو صدای ایران اظهار کرد که: «ما آرام نمی‌نشینیم و هماهنگ با دکتر

یزدی، مهندس معین‌فر و دکتر پیمان دست به اعتراض می‌زنیم». سبحانی گفت: از تصمیم شورای نگهبان شکفت زده شده‌است. زیرا همین شورا سال گذشته در جریان انتخابات پنجمین دوره مجلس صلاحیت وی را تأیید کرده بود و در این فاصله «جرمی» از او سر زده، اسراری کشف نشده و دادگاهی علیه وی رأی نداده‌است. سبحانی تأکید کرد که «رژیم تندروتر و انحصارطلب‌تر شده‌است». حبیب‌الله پیمان در گفتگو با بخش فارسی بی‌بی‌سی در پاسخ به اظهارات آیت‌الله جنتی گفت: «ایشان هیچ دلیل مستندلی نیاوردند. کلی‌گویی‌هایی کردند. بی‌سواد بودن برخی، ربطی به کاندیداهای اصلی نداشت و وی از گروه‌هایی که ضدانقلاب خوانده اسم نبرد و نگفت کدام یک از گروه‌ها از سوی مراجع قضایی محاکمه و غیر قانونی اعلام شده‌اند. پیمان افزود که: رژیم می‌خواهد مخالفان را به برخورد خشونت آمیز سوق دهد. وی ضمن ابراز مخالفت با هرگونه خشونت، تأکید کرد: «ما سعی می‌کنیم ارتباط‌هایمان را با جامعه حفظ کنیم و به هیچ‌وجه به گوشه انزوا باز نخواهیم گشت».

علی‌اکبر معین‌فر یکی از چهره‌های سرشناس نهضت آزادی از مردم خواست در انتخابات ریاست جمهوری به عنوان اعتراض به تصمیم شورای نگهبان اسامی کاندیداهای حکومتی را خط بزنند و به جای آنان نام کاندیدای نهضت آزادی را بنویسند. علی‌اکبر معین‌فر در گفتگو با بخش بین‌المللی رادیو فرانسه، آیت‌الله جنتی را فاقد شعور سیاسی خواند و گفت: «از این آقایان بیش از این هم توقع نمی‌رود. یعنی معتقد هستند که تمام ملت ایران عوام‌الناس هستند، همه نفهمند و تنها کسانی که می‌فهمند می‌توانند مملکت را اداره کنند، چند تا آخوند هستند». معین‌فر در پایان اظهار داشت: «این بار خیلی صریح گفتم ساکت نخواهیم بود. ساکت نخواهیم بود» معنی‌اش این نیست که از انتخابات قهر می‌کنیم. نام آن چهار نفری را که آنها ذکر می‌کنند خط می‌زنیم. نام یک نفر دیگر را که تعیین شده است کیست... خواهیم نوشت. این را به عنوان رأی اعتراض ملت ایران تلقی خواهیم کرد».

ادامه از صفحه اول

تکان‌های زمین را احساس کردند. در قائن و بیرجند بیش از ۲۰۰ روستا منهدم شده‌است. در بیرجند از روستاهای تخته‌جان، سراب، خونی‌ک، گسیت، اشک، گزیک، دورخش، آسیابان، خلف، دره چرم، آب‌گرم، آواز، زیدان، نصرالدین، کاویج، زیرک و ... به جز تلی از خاک و خشت و آجر اثری نمانده‌است. شماری از روستاها چنان ویران شده‌اند که بنا به گزارش فرستاده سازمان ملل به منطقه، فقط درختان باقی مانده‌اند. در روستای «ابیز» ۱۰۰ نفر از دختران نوجوان دانش‌آموز، هنگام بروز زلزله در کلاس درس بودند و فرصت نیافتند خود را به حیاط مدرسه و فضای باز برسانند، همه در زیر آوار ماندند و جان سپردند. از گزارش‌های خبری شبکه‌های تلویزیونی که به جهان مخابره شد،

عمق فاجعه قابل درک بود. صحنه‌های تکان دهنده و دلخراش همه را متأثر نمود، هر کسی شنید یا دید، پرسید: چگونه می‌توان آسیب دیدگان را یاری نمود؟ از شمار کشته‌شدگان و زخمی‌ها هنوز گزارش دقیقی در دست نیست، ارقامی که از طرف هلال احمر، وزارت کشور، فرمانداری قائن و بیرجند، رادیو و تلویزیون اعلام شده‌است آن‌چنان متفاوت هستند که نمی‌توان از آن‌ها به‌عنوان گزارش رسمی سخن گفت. یک روز بعد از وقوع زلزله گزارشگران به نقل از مسئولان محلی از کشته‌شدن ۲۴۰۰ نفر و زخمی‌شدن ۵ هزار نفر خبر دادند. رادیو و تلویزیون رقم قربانیان این فاجعه را ۴ هزار، روزنامه رسالت ۳ هزار، اطلاعات ۲۳۹۰، کیهان ۴ هزار و سلام نزدیک به دو برابر آن ذکر کردند. از روز سوم آگهی‌ها در روزنامه‌های رسمی و نیمه‌رسمی حکومت هم از آمار کشته‌شدگان و زخمی‌ها کاسته شد و هم از حجم خیرها و گزارش‌ها. روز چهارم، وزارت کشور رقم قربانیان را ۱۵۶۰ نفر و زخمی‌ها را ۲۸۱۰ نفر ذکر کرد و مسئول هلال احمر از این آمار ۲۰۰ نفر را نیز کم کرد و از کشته شدن «فقط» ۱۳۵۰ نفر سخن گفت. همه، با این هدف انجام شد که مبادا با بازتاب اخبار و گزارش‌های تکان‌دهنده زلزله قائن و بیرجند، «تنور داغ» انتخابات سرد شود و بازار آن از رونق بیفتد. به گزارش خبرگزاری فرانسه از آنجا که برای پذیرش مجروحان جای خالی در بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های منطقه نبود، در استادیوم ورزشی قائن و بیرجند و اماکن عمومی، درمانگاه‌های اضطراری برپا شده‌است اما پزشکان همچنان با کمبود شدید تجهیزات جراحی، ارتوپدی، درمانی و بهداشتی مواجه هستند.

بنا به تقاضای رژیم تاکنون ۱۸ کشور، بیش از ۸ میلیون دلار کمک نقدی و میلیون‌ها دلار کمک جنسی از طریق سازمان ملل، صلیب سرخ جهانی و سازمان‌های خیریه در اختیار جمهوری اسلامی گذاشتند. همچنین کشورهای سوئیس، فرانسه، انگلیس علاوه بر کمک‌های نقدی و جنسی، تیم‌های امدادگر خود را برای اعزام به مناطق زلزله‌زده به حال آماده‌باش درآوردند. جمهوری اسلامی کمک‌های مالی و جنسی را گرفت اما به امدادگران متخصص اروپایی اجازه ورود نداد.



جنگ جناح‌ها برای گرفتن قوه مجریه اوج گرفته است

اهمیت می‌دهم و باید اکثریت قاطعی از واجدین شرایط رأی دادن، احساس مسئولیت کنند و در پای صندوق‌ها حاضر شوند. زیرا با این کار امنیت نظام جمهوری اسلامی در مقابل خصومت‌های مستمر دشمنان ملت ایران تضمین و تأمین خواهد شد. تفسیر سخن خامنه‌ای این است که هر رأی که به صندوق‌ها ریخته می‌شود، صرف نظر از نیت صاحب رأی و نام کاندیدایی که بر روی آن نوشته شده‌است، در درجه نخست رأی به مشروعیت نظام و دوام آن است و دعوت مردم به شرکت در انتخابات، دعوت به حمایت از رژیم است.

حوزه دینی قم، اصفهان، شیراز، امام جمعه اصفهان، روزنامه‌های سلام، همشهری، ایران، اطلاعات و افرادی همچون میرحسین موسوی ... نظر به پیروزی خاتمی دارند و از وی اعلام پشتیبانی کرده‌اند. به جبهه روبرویی جناح‌ها حتی تیم‌های صاحب نام فوتبال و کشتی را کشانده‌اند. «سرخ پوشان» به نام ناطق نوری اطلاعیه داده‌اند و «آبی‌ها، خاتمی را «اصلاح» شناخته‌اند. ناطق نوری و طرفدارانش چون از حمایت زنان مأیوس شده‌اند و رأی آنان را از هم اکنون به نفع خاتمی باخته‌اند، عریان‌تر از گذشته می‌گویند: «سپردن مدیریت‌های کلان به بانوان برای جلب رأی آن‌هاست». روزنامه اخبار به نقل از مهدوی کنی نوشته است: «وعده‌های بی‌مورد به مردم و مخصوصاً به زنان و بانوان محترم و وعده سپردن مدیریت‌های کلان به آن‌ها را چگونه می‌توان توجیه کرد. آیا در این گونه وعده‌ها قصد قربت و خدمت نهفته است یا به منظور جلب آرای خانم‌ها می‌باشد. وعده انتخاب وزیر زن و امثال آن بر فرض که به قصد بها دادن به خانم‌ها باشد. نباید بی‌جهت احساسات خفته را بیدار کرده و فرهنگ بیگانه را ترویج نماید و افراد بی‌اعتقاد به ارزش‌های اسلامی را به تخریب وادارد».

برای افزایش آمار شرکت کنندگان در انتخابات و رونق بازار آن، حتی در نانوائی‌ها هم ستاد انتخاباتی تشکیل شده است. به نوشته روزنامه اخبار صبا - تهران، «فروشنگاه‌ها، نسایشگاه‌های اتومیلی، بینگاه‌های معاملات ملکی، دفاتر تولیدی‌ها در بازار، رستوران‌ها و نانوائی‌ها به ستادهای انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری تبدیل شده است. صاحبان این واحدها در کنار فعالیت‌های تجاری به انجام امور تبلیغاتی نامزدهای مورد علاقه خود می‌پردازند... در غرب تهران یک نانوائی لواشی علاوه بر فروش نان به مشتریان، بروشورهای نامزد مورد علاقه خود را در بین نان توزیع می‌کند».

جناح‌های حکومتی در جنگ قدرت برای کسب کرسی ریاست جمهوری و به دست گرفتن قوه مجریه پشت سر ناطق نوری و محمد خاتمی صف‌آرایی کرده‌اند. بازاریان سنتی - رسالتی‌ها، انصار حزب‌الله به رهبری جنتی، جامعه روحانیت مبارز، جمعی از مدرسان و آخوندهای حوزه‌های دینی قم، مشهد، تبریز، اعضای شورای نگهبان، بخشی از گردانندگان اصلی رادیو و تلویزیون، رهبران سپاه پاسداران و بسیج، اخبار، صحیح، ایسرا و ... جانب ناطق‌نوری را گرفته‌اند.

مجمع روحانیون مبارز، دفتر تحکیم وحدت که در دانشگاه‌ها و مدارس فعال است، خانه کارگر، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، گروه کارگزاران و دسته‌های از مدرسان

روز جمعه دوم خردادماه انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. از میان ۲۳۸ نامزد انتخابات، شورای نگهبان فقط صلاحیت ناطق نوری، خاتمی، ری شهری و زورهای را تأیید کرده است. رقابت اصلی بین ناطق نوری و خاتمی است. خیابان‌های شلوغ تهران و شهرستان‌ها پر از تصاویر و پلاکاردهای رنگی این دو تن است. پلاکاردهای ناطق نوری به رنگ زرد و سفید به پرچم جمهوری اسلامی است و مردم را به «اطاعت از رهبری» و انتخاب ناطق نوری را به عنوان کاندیدای «اصلاح» روحانیت دعوت می‌کند.

طرفداران خاتمی رنگ آبی را انتخاب کرده‌اند و برای رفع شبهه، تصویر خامنه‌ای ضمیمه آن شده‌است. یا شعار «سازندگی» و «عزت اسلامی». در تبلیغات، سخنرانی‌ها، اخبار و گزارش روزنامه‌ها، کوشش طرفین بر این متمرکز شده است که اثبات کنند علمای حوزه علمیه قم، مدرسان حوزه‌های مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و خامنه‌ای به چه کسی نظر دارند.

خامنه‌ای روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت در دیدار با رئیس، معاونان و مدیران صدا و سیما نشان داد که جانب چه کسی را گرفته است، وی با تعریف و تمجید از عملکرد صدا و سیما خواست که همچنان مردم را به شرکت در انتخابات و کاندیدای «اصلاح» بسنج کنند. خامنه‌ای در این دیدار گفت: مگر ممکن است من نظر نداشته باشم. گمان نمی‌کنم هیچکس به قدر من نامزدهای فعلی انتخابات را بشناسد. برخی از آن‌ها را از دوران مبارزه و برخی دیگر را از آغاز پیروزی انقلاب می‌شناسم و بنابراین انتخاب اصطلح امری طبیعی است. «خامنه‌ای افزود: کاری کنید که انتخابات در چشم مردم شیرین، مستدل و موجه شود و مردم به عنوان یک وظیفه در پای صندوق‌های رأی حضور پیدا کنند. اگر چه تعداد آرای فرد منتخب مهم است، اما این جانب به حضور مردم در پای صندوق‌ها بیشتر

خاتمی که نظر به آزادی عمل زنان دارد، می‌داند که سبزه رئیس جمهور در حکومتی که سردمدارانش می‌گویند «احساسات خفته» را با وعده بیدار نکند، تا چه اندازه زور دارد. او در مصاحبه با مجله زنان در پاسخ به این زن دارد، گفت: «انتخاب وزیر فرایندی پیچیده و چند بعدی است و نهادهای مختلفی در آن نقش دارند و تنها در اختیار رئیس جمهور نیست.» تحقق یا عدم تحقق وعده‌ها یک طرف اما در جنگ قدرت، شعار دفاع از زنان کارایی روز پیدا کرده است. آسوشیتدپرس در گزارش از ایران با اشاره به افکار عمومی خبر داده‌است که خاتمی از مقبولیت و شانس بیشتری برخوردار است. ولی مقبولیت وی به معنی آن نیست که رئیس جمهور آینده خاتمی خواهد بود.

ادامه از صفحه اول

هویت این عده و نقش آنان در قتل رهبران حزب دمکرات ایران برای دادگاه محرز است و در مورد محل اقامت آنان بنی‌صدر و ابوالقاسم مصباحی معروف به «شاهدن» اطلاعات دقیقی در اختیار دادگاه گذاشته‌اند. آنان به قضات و دادستان‌ها گفتند از طرف «کمیته عملیات ویژه»، فردی به نام «شریف» از اعضای سپاه پاسداران برای فرماندهی عملیات ترور به برلین اعزام شد و پس از انجام قتل، با کمک سفارت جمهوری اسلامی ایران در بن، به تهران بازگشت. دادستان آلمان گفت: از تحقیق پرونده سایر اعضای «کمیته عملیات

ویژه» که خامنه‌ای، رفسنجانی، وزیر اطلاعات و امنیت، فرمانده سپاه ... در آن عضویت دارند و دستور ترور مخالفان سیاسی را صادر می‌کنند، با در نظر گرفتن مصالح عمومی، چشم‌پوشی کرده‌است. وی تأکید کرد حکم بازداشت علی فلاحیان که در ماه مارس سال قبل صادر شد، به قوت خود باقی است و پلیس بین‌المللی موظف به اجرای آن است. پنج هفته پیش دادگاه میکنونوس رهبران جمهوری اسلامی را به ترور ریسم دولتی محکوم کرد و رئیس دادگاه «فریتوف کوش» گفت که: حکم قتل صادق شرفکندی و یاران وی در «کمیته عملیات ویژه» که زیر نظر

دادستان کل آلمان فدرال حکم بازداشت سه تن از اعضای وزارت اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی را صادر کرد

خامنه‌ای و با حضور رفسنجانی تشکیل می‌شود، صادر شده‌است. هفته گذشته رئیس اطلاعات ارتش اسرائیل «ژنرال یعلون» در مصاحبه با نشریه اسرائیلی «هاآرتز» فاش ساخت که جمهوری اسلامی می‌خواست از طریق اسرائیل در رأی دادگاه میکنونوس اعمال نفوذ کند. وی گفت: جمهوری اسلامی برای مقام‌های اسرائیلی پیام فرستاد که اطلاعاتی در باره «رون آراد» خلبان ناپدیدشده اسرائیلی در دست دارد و می‌تواند در جهت آزادی وی تلاش کند. پس از آن که رهبران جمهوری اسلامی در دادگاه میکنونوس محکوم شدند، گفت و گو در باره «رون آراد» نیز متوقف شد.

جمعیت مؤتلفه اسلامی:

نام جمهوری اسلامی را به حکومت اسلامی تغییر دهید!

جمعیت مؤتلفه اسلامی، تشکل وابسته به بازاریان، به شورای تشخیص مصلحت رژیم پیشنهاد کرده است که نام جمهوری اسلامی ایران به «حکومت عدل اسلامی» تغییر کند. «شما»، ارگان جمعیت مؤتلفه اسلامی، در شماره مورخه ۲۱ فروردین ماه خود نوشت: «پیشنهاد می‌شود مجمع محترم (تشخیص مصلحت) با کسب اجازه از مقام معظم رهبری، چنانچه اجازه فرمودند، درباره موضوعات زیر به بحث و بررسی نشست و نظرات مشورتی را تقدیم ولی امر مسلمین نمایند... نحوه وصول نظام از جمهوری اسلامی به نظام حکومت عدل علی» اندیشه‌ی ایجاد حکومت اسلامی به جای جمهوری اسلامی، حتماً قبل از پیروزی انقلاب نیز از سوی طیف وسیعی از روحانیون و بازاریان دنبال

می‌شد. استدلال شرعی و فقهی این گروه همواره این بوده که حکومت اسلام و ولایت فقیه، ربطی به جمهوری و انتخاب نداد و در حکومتی که تصمیم‌گیری با یک فرد است، انتخاب مردم بی‌معنی و مشکل‌آفرین است. به هنگام تأسیس جمهوری اسلامی، خمینی، شاید بنا به ملاحظات بیرونی و تصویری که در صدد بود از حکومت اسلام ارائه دهد، این استدلال را نپذیرفت و نام جمهوری اسلامی برای حکومت برگزیده شد. این بحث اما همواره بین روحانیون و حکومتیان باقی ماند. اینک با قدرت‌گیری روز افزون جناح رسالت، به نظر می‌رسد شرایط برای این تغییر نام فراهم شده است. طرح این پیشنهاد از سوی جمعیت مؤتلفه اسلامی به آن معنی است که

برای تغییر نام حکومت، نیروی مؤثر اقدام کرده است. جمعیت مؤتلفه از چنان قدرتی برخوردار است که خواست‌های خود را حتا به حوزه علمی هم نیز تحمیل می‌کند. پیشنهاد هیئت مؤتلفه، مخالفت تندی را در بین رقبای این جمعیت برانگیخت. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در مقاله‌ای به نام «ضرورت حفظ جمهوریت نظام اسلامی» نیت پشت پرده‌ی این جریان را فاش ساخت و نوشت: «جناح خاصی به گونه‌ی تئوریک با آزادی و مردم‌سالاری مخالفتند و برای این عقیده خود علاوه بر توجیه شرعی، دلایل عقلی نیز ارائه می‌کنند. به نظر می‌رسد الگوی «دیکتاتوری مصلح»، شرعی‌ترین و کارآترین نوع حکومت، حداقل از دیدگاه برخی از اینان می‌باشد». این گونه بحث‌ها در میان جناح‌های

خبرهای کوتاه

تأیید حکم اعدام محمد اسدی

بر اساس اخبار رسیده دیوان عالی جمهوری اسلامی حکم اعدام محمد اسدی وکیل دادگستری را که به اتهام جاسوسی و شرکت در کودتای نوژه در سال‌های اخیر دستگیر شده و در زندان به سر می‌برد تأیید کرده است. باینکه بنابه اظهارات اعضای خانواده‌ی وی دادگاه اولیه‌ی بررسی کننده‌ی پرونده هیچ مدرک معتبری که بتواند اتهام‌های وارده را ثابت کند، ارائه نکرده است و روشن نیست که چرا مأموران سال‌ها پس از وقوع کودتای نوژه اقدام به دستگیری محمد اسدی کرده‌اند، دیوان عالی رژیم حکم دادگاه را تأیید کرده است.

کارگزاران تشکل سیاسی ایجاد می‌کنند

عطاءالله مهاجرانی هفته‌ی گذشته اعلام کرد با این‌که «جمعی از کارگزاران سازندگی» در ابتدا قصد فعالیت سیاسی به صورت یک تشکل را نداشتند، ولی پس از انتخابات دوره پنجم مجلس، برای ایجاد یک سازمان سیاسی گسترده مصمم شده‌اند. به گفته‌ی مهاجرانی قرار است که «کارگزاران سازندگی» در آینده‌ی نزدیک با تهیه اساننامه و مرامنامه به تشکیل یک سازمان سیاسی اقدام کنند.

تجلیل از رفسنجانی به تعویق افتاد

در یکی از جلسات این ماه مجلس شورای اسلامی قرار بود که مجلس بزرگداشتی برای رفسنجانی ترتیب داده شود، اما ظاهراً به دلیل غیبت تعداد زیادی از مجلسیان در روز مورد نظر این مراسم برگزار نشد. به‌خصوص عدم حضور ناطق‌نوری در آن جلسه معنی‌دار می‌نمود. روحانی نایب رئیس مجلس درباره‌ی برگزار نشدن مراسم گفت: به دلیل آن‌که کل نمایندگان مجلس در جلسه دیروز حضور نداشتند و اگر در غیاب آنها جلسه برگزار می‌شد، گله‌مند می‌شدند، این برنامه به بعد موکول شد. وی زمانی را برای برگزاری مراسم به تعویق افتاده اعلام نکرد.

تنها ۱٪ مردم آبادان روزنامه می‌خرند

با اینکه آمار خرید کتاب و مطبوعات در تمام نقاط کشور در حد بسیار پایینی می‌باشد و برای مثال میزان خرید روزنامه در سطح کل کشور از مقدار ۲۵ روزنامه برای هر ۱۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند، این رقم در شهرستان آبادان بسیار پایین‌تر است و ده عدد برای هر هزار نفر می‌باشد. در حال حاضر روزانه تنها دو هزار و ۵۰۰ نسخه روزنامه در آبادان فروخته می‌شود که کمتر از یک سوم میزان فروش در قبل از وقوع جنگ ایران و عراق است. رقم خرید روزنامه در آن زمان ۳۳ عدد برای هر یک هزار نفر بوده است.

کاهش شدید ذخیره‌ی آب سد کرج

با وجود بارش برف و باران فراوان در اوایل سال جاری که خطر کم‌آبی شدید شهر تهران را تا حدی از بین برد، کاهش چشمگیر ریزش برف و باران در زمستان سال گذشته نسبت به سال‌های قبل باعث شده است که ارتفاع آب در پشت سد کرج در حال حاضر ۳۳ متر پایین‌تر از حد متعارف باشد. به این ترتیب بیم آن می‌رود که اگر شهروندان تهرانی از هم‌اکنون در میزان مصرف آب صرفه‌جویی نکنند، در پایان تابستان امسال به علت کم‌آبی شدید، با دشواری‌های جدی مواجه شوند.

کمبود مربیان بهداشت مدارس

بنا بر اظهارات کارشناسان تغذیه و بهداشت آموزش و پرورش استان مازندران، این استان هم‌اکنون با کمبود یک هزار و ۲۵۰ مربی بهداشتی روبه‌رو می‌باشد و تنها ۴۰۹ مربی بهداشت در ۷۸۵ مدرسه‌ی این استان مشغول فعالیت هستند. شواهد بسیار نشان می‌دهد که مدارس دیگر نقاط کشور نیز با این مشکل مواجه هستند. از آنجاکه تجربه نشان داده است مربیان بهداشت مدارس در دهه‌های اخیر توانسته‌اند در پایین آوردن میزان شیوع و بروز بیماری‌های شایع به‌ویژه بیماری‌های عفونی در کودکان و خانواده‌هایشان به میزان قابل توجهی مؤثر باشند، کمبود مربی بهداشت مدارس و بی‌توجهی مسئولان رژیم در تربیت چنین کارشناسانی می‌تواند لطمات سنگینی به جامعه وارد سازد.

خطر آلودگی بیشتر دریای مازندران

بر اساس برآورد کارشناسان محیط‌زیست جمهوری آذربایجان با شروع استخراج نفت از معادن نفتی جدید که قرارداد آن بسته شده است، میزان آلودگی آب دریای خزر سه برابر خواهد شد. کارشناسان هشدار داده‌اند: در صورتی که میزان آلودگی آب دریا از حد ۱۵ میلی‌گرم در لیتر تجاوز نماید، لایه‌ی نفتی بر روی آب شکل می‌گیرد و این امر مانع نفوذ اکسیژن به درون آب شده، مرگ جانوران دریایی را بدنبال خواهد داشت.

انتشار نشریه‌ی صوتی - تصویری

هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب در اوایل این ماه، پیش‌شماره‌ی نخستین نشریه‌ی الکترونیکی ایران که دارای قابلیت‌هایی بیشتر از نشریات چاپی است، با اطلاعاتی که صدها برابر یک نشریه‌ی معمولی می‌باشد، منتشر شد. این نشریه قرار است به صورت میان‌کنشی (Interactiv) باشد و به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی ارائه شود.

تقویم آموزشی سال تحصیلی آینده

تقویم آموزشی وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی در سال تحصیلی آینده اعلام شد. بر اساس این تقویم، سال تحصیلی جدید در سطوح مختلف از پانزدهم شهریور ماه آغاز خواهد شد. تعطیلات زمستانی کلیه پایه‌های تحصیلی نیز از ۲۷ دی ماه سال جاری آغاز و تا دوم بهمن ادامه خواهد داشت.

ترتیب الفبایی یا اعمال نظر همه‌جانبه‌ی شورای نگهبان؟

نظر شورای نگهبان در مورد این رتبه‌بندی آگاه شوند. در اطلاعیه‌ی شورای نگهبان آمده است: ۱- در هیچ‌یک از مواد و قوانین انتخابات ریاست جمهوری ذکر نشده است که شورای نگهبان برای اعلام اسامی نامزدهایی که صلاحیت آنان را مورد تأیید قرار داده است باید به ترتیب خاصی عمل کند. ۲- شورای نگهبان طبق رویه‌ی معمول خود که در گذشته نیز به آن عمل کرده است، اسامی نامزدهای تأیید شده را به ترتیبی که در جلسه‌ی شورا از آراء بیشتری برخوردار بوده‌اند اعلام و در این دوره نیز دقیقاً همانند ادوار گذشته عمل کرده است.

بر مبنای حروف الفبا در صدر لیست قرار گیرد زبان به اعتراض گشودند و از جمله عطاءالله مهاجرانی معاون رفسنجانی و از شناخته شده‌ترین افراد این گروه با اظهار این‌که این رویه خلاف نظام حقوقی و عرف سیاسی پذیرفته شده است، به وزارت کشور اعتراض کرد. اما به جای وزارت کشور شورای نگهبان رأساً به طور رسمی به پاسخ‌گویی پرداخت و با صدور اطلاعیه‌ی «برای روشن شدن اذهان ملت شریف ایران» کوشش کرده به رأی «دانشندگان کوشش‌کننده» «تأییدشدگان» را نیز به یک چشم نمی‌نگرد و مایل به رتبه‌بندی آنان است و قصد دارد که مردم نیز حتماً از

است و اکنون آن می‌دردد که آن‌روز کاشته است. شورای نگهبان پس از رد صلاحیت ۲۳۴ نفر از ۲۳۸ کاندیدای پست ریاست جمهوری رژیم، چهار «برگزیده»ی خود را به این ترتیب اعلام کرد: علی اکبر ناطق‌نوری، محمد محمدی‌نیک (ری‌شهری)، سید محمد خاتمی و سید رضا زوارهای. وزارت کشور نیز پس از آن به همین ترتیب اسامی را به طور رسمی اعلام کرد. این ترتیب که نه به ترتیب الفبایی نام یا نام خانوادگی بود و یا عکس آن و یا به ترتیب سن یا معیار شناخته شده‌ی نظیر آن طبیعتاً تعجب همگان را برانگیخت. کارگزاران سازندگی که انتظار داشتند نام کاندیدایشان خاتمی

ناطق‌نوری در مصاحبه‌ی با خبرنگاران خارجی علت رأی نسبتاً کم خود را در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی، به آن نسبت داد که نام وی به خاطر شروع شدن با حرف «ن» در پایین لیست بوده است. به زعم وی بسیاری از رأی دهندگان در انتخابات رفع تکلیف می‌کنند و به نوشتن چند نام از بالای فهرست بسنده می‌کنند. بسیاری، پس از شنیدن این سخنان «داهیان» لیختند بر لبانشان ظاهر شد و این توجیه را از «گرامات» خاص «شیخ‌ما» دانستند. اما حال معلوم می‌شود که وی با این گفتار هدفی را پیگیری می‌کرده است و به در می‌گفته است تا دیوار بشنود و چندان هم «بی‌منظور» چنین نگفته

پرسش‌های بی‌پاسخ

گیت: از این موضوع منصرف شده‌اید. آیا این موضوع صحت دارد؟
* نظر مردم درباره‌ی شما تا چه حد برایتان اهمیت دارد؟
* در شب‌های احیا در حرم امام شاهد حرکت‌هایی مردمی مثل روضه‌خوانی شما بودیم، آیا در مقام ریاست جمهوری هم مردم شاهد روضه‌خوانی شما خواهند بود؟
* شما بیشتر در میان عام شناخته شده‌اید، این حسن است یا عیب؟
* تازگی‌ها از عینک اسپرت ذره‌بینی استفاده می‌کنید. بعضی می‌گویند این امر دلایل طبی دارد. گروهی معتقدند به علت تصویری است که مردم از رابطه میان نماد عینک و سواد دارند؟

در عرصه‌ی فرهنگ زیر لوای حمایت بعضی جریان‌های سیاسی عمل کرده‌اند. شما به عنوان چهره‌ی شاخص یکی از جریان‌های مطرح در این باره چه می‌گویید؟
* نظریه‌ی این که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دست گروه‌های هم‌سو با شماس است و در طی سال‌های اخیر، مطبوعات، کتاب، فیلم، موسیقی، هنرهای تجسمی و نمایشی را تهدید و تحدید کرده‌اند، در صورت موقیبت شما در انتخابات آیا چنین جریانی تشدید خواهد شد؟
* معاون اولتان چه کسی خواهد بود؟
* شایع بوده که آقای محمد جواد لاریجانی کاندیدای معاون اولی ریاست جمهوری شما خواهد بود. می‌گویید شما بعد از قضیه‌ی «لاری

نشریه‌ی زنان در شماره‌ی ۳۴ خود، در آستانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری مصاحبه‌ی با محمد خاتمی انجام داده و پرسش‌هایی را نیز برای ناطق‌نوری فرستاده است که وی از پاسخ به آن پرسش‌ها خودداری کرده است.
ایمن پرسش‌ها تحت عنوان پرسش‌های بی‌پاسخ در این نشریه درج شده است که مطالعه‌ی بخشی از آنها خالی از فایده نیست:
* مسابقه‌ی دفاع از حقوق زنان در جریان تبلیغات انتخاباتی اوج گرفته است. شما برای ورود به این مسابقه چه انگیزه‌ی داشته‌اید؟
* آیا وزیر زن خواهید داشت؟
* تابه حال قانون‌شکنان و هرج‌ومرج‌طلبان و مروجان خشونت

درگیری مأموران با تماشاگران فوتبال در

استادیوم ورزشی ۲۲ بهمن اصفهان

- تعدادی از تماشاگران و نیروهای دولتی زخمی شدند
- گروهی از جوانان اصفهان توسط پاسداران دستگیر شدند

روز جمعه ۱۲ اردیبهشت در جریان مسابقه تیم‌های فوتبال سپاهان اصفهان و بهمن تهران که در استادیوم ورزشی ۲۲ بهمن اصفهان برگزار می‌شد، طرفداران تیم سپاهان در اعتراض به قضاوت داور مسابقه که به پیروزی تیم بهمن منجر شد، با نیروهای ضد شورش درگیر شدند، چندین ماشین دولتی را به آتش کشیدند و بر تاسیسات ورزشگاه خسارت سنگینی وارد کردند. برای تماشای مسابقه فوتبال دو تیم سپاهان اصفهان و بهمن تهران که در چارچوب دسته‌اول باشگاه‌های کشور برگزار می‌شد، ۱۵ هزار نفر به ورزشگاه آمده بودند. بازی با وجود ۲ گلی که هر یک از تیم‌ها زده بودند، تا دقایق پایانی با شور و هیجان همچنان ادامه داشت. در لحظاتی که می‌رفت بازی با نتیجه مساوی خاتمه یابد،

مشاجر بازیکان سپاهان با داور بر سر توبی که معتقد بودند گل شده است و گلی که بازیکن تیم بهمن در همین فرصت به ثمر رساند، تماشاگران را به خشم آورد و آنها به زمین حمله کردند. با دخالت مأموران انتظامی درگیری بین پلیس و جوانان اوج گرفت. در درگیری عده‌ای از جوانان و مأموران ضد شورش زخمی شدند و دهها نفر دستگیر شدند. فدراسیون فوتبال تیم سپاهان را بازنده اعلام کرد و دستور داد مسابقات فوتبال باشگاه‌های دسته اول کشور تا سپری شدن انتخابات ریاست جمهوری تعطیل شود. گزارش‌های تأیید نشده حکایت از آن دارد که از روز سه‌شنبه گذشته خمینی شهر اصفهان نارام است و عده‌ای از جوانان شهر توسط مأموران امنیتی دستگیر شده‌اند.

را جز روی

شبکه جهانی اینترنت

Internet

بخوانید

نشریه کار ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طریق شبکه‌ی جهانی اینترنت نیز در دسترس شماست. علاقمندان می‌توانند علاوه بر آخرین اعلامیه‌های سازمان و مهم‌ترین خبرهای مربوط به کشور، صفحات آخرین شماره‌های نشریه، مقالات برگزیده‌ی شماره‌های پیشین نشریه، اسناد کنتره‌های سازمان و همچنین مطالب بولتن News & Views را به چند زبان بین‌المللی، زیر آدرس‌های: <http://www.magnet.at/iran.kar.fadai.aksariyat> و <http://www.geocities.com/capitolhill/2902> ملاحظه فرمایند.

مقالات اصلی هر شماره هم‌چنین به خط گرسوز برای گروه خبری فرهنگی ایرانیان (soc.culture.iranian) ارسال می‌گردد. خواندن این مقالات را به کسانی که به اینترنت دسترسی دارند و مشترک نشریه‌ی کار نیستند توصیه می‌کنیم.

راه‌های کمک مؤثر به زلزله‌زدگان را بیایم

به دنبال انتشار خبر وقوع زلزله‌ی اخیر در جنوب خراسان که به کشته شدن هزاران تن از هم‌میهنان ما انجامید، شورای مرکزی سازمان ما با انتشار اطلاعیه‌ی عمومی مردم و سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی و به کمک‌رسانی عاجل به زلزله‌زدگان فراخواند.

دیگر سازمان‌ها و نیروها و شخصیت‌های مردمی نیز با فراخوان‌های مشابهی کوشش نمودند که افراد هرچه بیشتری را برای کمک به آسیب‌دیدگان زلزله بسیج کنند.

اکنون در بسیاری شهرها و کشورهای ایران نیز حضور دارند، گروه‌هایی برای کمک شکل گرفته یا در حال شکل‌گرفتن است. رژیم جمهوری اسلامی مغرضانه مانع آن شد که با امداد عاجل گروه‌های صلیب سرخ بین‌المللی از امداد تلفات کاسته شود.

رژیم امکان کمک‌های بین‌المللی را به موارد خاصی چون کمک‌های مالی و جنسی و آن هم از طریق ارگان‌های دولتی محدود کرد و این امر به سهم خود باعث گردید که سازمان‌های امداد بین‌المللی با اکراه معینی به ارسال کمک‌های خود ادامه دهند. وجود فساد گسترده در دستگاه حاکم‌ه‌ی ایران موجب گردیده است که آسیب‌دیدگان از زلزله‌هایی که به طور مکرر در گوشه و کنار کشور روی می‌دهد نتوانند از یاری کافی سازمان‌های خیریه‌ی بین‌المللی که وظیفه‌ی خود می‌دانند در چنین مواقعی امکانات خود را در اختیار بگذارند، بهره‌مند شوند.

با این وجود راه برای یاری‌دهندگان کاملاً بسته نیست. تجربه‌ی نسبتاً تازه نشان می‌دهد که به دنبال وقوع زلزله‌ی رودبار،

پس از آنکه به همت ایرانیان مقیم اتریش و فرانسه و مناطقی دیگر از جهان مبالغی پول فراهم گردید با همیاری کسانی چون محمود دولت‌آبادی مدرسه‌ی در آن ناحیه ساخته شد.

این بار نیز ایرانیان مقیم خارج قطعاً می‌توانند راهی بیابند. اکنون مدتی از زمان وقوع فاجعه گذشته است و از لزوم کمک بسیار عاجل سخنی در میان نیست. اما براساس آمار موجود بیش از ۱۰۰ کودک در این حادثه یتیم شده‌اند و از مجروح شدن هزاران تن سخن گفته می‌شود. دور از انتظار نیست که تعداد چشم‌گیری از مجروحان در صورتی‌که جان سالم بدر برند، معلول شوند و از ادامه‌ی کار پیشین بازمانند. قابل پیش‌بینی است در کشور ما که سیستم تأمین اجتماعی کارایی در آن شکل

میزان تلفات انسانی شماری از زلزله‌های اخیر ایران

کشور ما زلزله‌خیز است. در هر نقطه از کشور ما و در هر زمان می‌تواند زلزله‌ی مهیب زندگی عادی را بهم زند. سالانه چند زلزله‌ی قوی (بین ۶ تا ۷ ریشتر) و هر چند سال یک‌بار زلزله‌ی بزرگ (بین ۷ تا ۸ ریشتر) در کشور ما اتفاق می‌افتد. مقاومت اغلب خانه‌های روستایی ایران در مقابل زلزله چندان پایین است که حتی زلزله‌های متوسط (بین ۵ تا ۶ ریشتر) که به کرات در کشور روی می‌دهد

تاریخ	مکان	شمار تلفات
۱۱ تیر ۱۳۳۶	شمال ایران	۲۵۰۰ نفر
۲۲ آذر ۱۳۳۶	غرب ایران	۲۰۰۰ نفر
۲۶ فروردین ۱۳۳۹	لار	۴۵۰۰۰ نفر
۱۰ شهریور ۱۳۴۱	بوئین‌زهرا	۱۰۰۰۰ نفر
۹ شهریور ۱۳۴۷	خراسان	۱۱۵۸۸ نفر
۲۱ فروردین ۱۳۵۱	استان فارس	۵۰۵۷ نفر
۲۵ شهریور ۱۳۵۷	طیس	۲۵۰۰۰ نفر
۲۱ خرداد ۱۳۶۰	کرمان	۱۰۲۸ نفر
۲۴ تیر ۱۳۶۰	کرمان	۱۳۰۰ نفر
۳۱ خرداد ۱۳۶۹	رودبار	۴۰۰۰۰ نفر
۱۵ بهمن ۱۳۷۵	بجنورد	۴۵۰ نفر
۹ اسفند ۱۳۷۵	اردبیل	۹۰۰ نفر
۲۰ اردیبهشت ۱۳۷۶	قائن - بیرجند	۴۰۰۰ نفر



پرسش‌های مکرر مردم و پاسخ آگاهان درباره‌ی زلزله

است که در سال‌های اخیر زلزله‌های هرچه بیشتری به ثبت می‌رسند و خبر آن‌ها به سرعت از طریق رسانه‌های گروهی به تمام نقاط جهان مخابره می‌شود. برای مثال در سال ۱۹۳۱ میلادی تنها ۳۵۰ ایستگاه زلزله‌نگاری در جهان وجود داشت و این رقم اکنون به ۴۰۰۰ رسیده است.

زلزله چیست؟

● زلزله در اثر لغزش ناگهانی یک گسل ایجاد می‌شود. فشارهایی در لایه‌ی خارجی زمین کناره‌های گسل‌ها را به سمت هم می‌راند. تنش تجمع‌یافته صخره‌های بزرگ را به حرکت درمی‌آورد و انرژی آزاد شده حاصل، موجی به وجود می‌آورد که با دور شدن از مرکز زلزله خفیف می‌گردد.

آیا می‌توان از وقوع زلزله جلوگیری کرد؟

● خیر، از وقوع زلزله نمی‌توان پیش‌گیری کرد، اما از میزان خسارت‌های جانی و مالی آن می‌توان کاست. باید بدانیم که هر از گاهی زلزله در نقطه‌ی در کشور ما روی می‌دهد و چه بسا مام طبیعت در دفعه‌ی بعد قرعه‌ی بداقبال را به نام منطقه‌ی از کشور که عزیزان ما در آن زندگی می‌کنند بکشد. باید تجربه شود که با

اتخاذ تدابیر درست واقعاً می‌شود از خطرات زلزله‌های احتمالی کاست.

زلزله‌ها عمدتاً در کدام نقاط دنیا روی می‌دهند؟

● ۹۰ درصد زلزله‌های جهان در منطقه‌ی که اقیانوس آرام را دور می‌زند و «کمربند پیرامون پاسیفیک» نامیده می‌شود رخ می‌دهد.

● ناحیه‌ی بعدی که ۶-۵ درصد زلزله‌ها در آن اتفاق می‌افتد، منطقه‌ی است به نام «کمربند آلیپد» که دریای مدیترانه، ترکیه، قفقاز، ایران، افغانستان و شمال هند را دربر می‌گیرد.

● در کشور ما دو کمربند زلزله یکی در امتداد رشته جبال البرز و دیگری در امتداد رشته جبال زاگرس وجود دارد، که این امر به علت بیشتر در دل آسیا فرورفتن شبه‌قاره‌ی هند و شبه‌جزیره‌ی عربستان می‌باشد.

معمولاً از چه روشی برای اندازه‌گیری شدت زلزله استفاده می‌شود؟

● دامنه‌ی زلزله که معمولاً درجه‌ی شدت زلزله است، میزان انرژی تولید شده توسط زلزله ضرورتاً متناسب با آنچه که ما در زمان وقوع حادثه احساس می‌کنیم نیست. در سال ۱۹۳۰

خبرهای علمی

آثار منفی درمان نزدیک‌بینی چشم با لیزر

بر اساس پژوهش‌های جراحان چشم مشخص شده است که جراحی چشم با استفاده از لیزر برای درمان نزدیک‌بینی باعث شب‌کور می‌شود.

در این نوع جراحی (برش قرنیه با استفاده از لیزر) بیماران می‌توانند پس از درمان بدون عینک و حتی لنز به‌خوبی بینند. اما بررسی‌های دکتر پروت از دانشگاه مونترآل کانادا نشان داده است که حدود ۲۱ درصد از بیمارانی که با استفاده از این روش درمان شده‌اند، اغلب شب‌ها از نور شدید و خیره‌کننده رنج می‌برند. مطالعات دکتر بندیک چین یکی دیگر از پیشگامان روش جراحی با لیزر در آلمان نیز نتایج مشابهی را نشان داده است.

افزایش ظرفیت دیسک‌های سخت

با بهره‌گیری از «آلیاژ جدید پارادیوم» در ساخت هد می‌توان ظرفیت دیسک‌های سخت را به ۸ برابر افزایش داد. شرکت «فوجی موتسو» ژاپن با استفاده از این آلیاژ توانسته است میزان ضبط اطلاعات در هر اینچ مربع را تا ۱۰ گیگابایت افزایش دهد. «هد» از چند لایه‌ی مغناطیسی و رسانای برق تشکیل شده است که از طریق آن تغییرات مغناطیسی دیسک به‌وسیله‌ی تغییرات در نوک «هد» خوانده می‌شود. مهندسان می‌گویند با دو لایه کردن «هد» میزان حساسیت آن ۳۰ درصد افزایش یافته است. تا به حال «هد»ها از آلیاژ آهن و نیکل و آهن و منیزیم ساخته می‌شدند که افزایش دما سبب کاهش توانایی و رطوبت نیز موجب پوسیدگی آنها می‌شد.

تقویت سیستم ایمنی بدن با ویتامین ای

محققان مرکز پژوهش‌های تغذیه‌ی انسان‌های سالمند در دانشگاه تانسی در شهر بوستون با تحقیق بر روی ۸۸ فرد بالای ۶۵ سال در طول ۲۳۵ روز اعلام کرده‌اند که مصرف روزانه‌ی ۲۰۰ میلی‌گرم ویتامین ای با تقویت دستگاه ایمنی بدن از بروز مکرر بیماری‌های عفونی از قبیل سرماخوردگی جلوگیری می‌کند. تحقیقات انجام شده قبلاً نشان داده بود که مصرف ویتامین ای مقاومت بدن افراد سالمند را در مقابل بیماری‌های قلبی، سرطان و بیماری آلزایمر نیز بالا می‌برد.

تأییدی دیگر بر یک فرضیه علمی

باستان‌شناسان ژاپنی موفق شده‌اند ۱۰ قطعه از فسیل یک دایناسور را که ۱۲۰ میلیون سال پیش بر روی زمین می‌زیسته است، در مکانی در ژاپن پیدا کنند. به گفته‌ی پژوهش‌گران این قطعات مربوط به پنجه، ساق پا و آرواره‌ی دایناسوری است که پنج تا شش متر طول و ۱/۵ متر ارتفاع داشته است. کارشناسان بر این باورند که پیدا شدن نمونه‌هایی از این نوع دایناسور در آمریکای شمالی و ژاپن نیز تأییدکننده‌ی این فرضیه است که در دوران‌های گذشته قاره‌های آسیا و آمریکا به هم متصل بوده‌اند.

تلفن همراه سرطان‌زا است

پروفسور نیل چری استاد دانشگاه لینکلن سیدنی، پس از سه سال تحقیق بر روی تشعشعات و اثر آن بر سلامتی انسان اعلام کرد که پرتوهای منتشره از تلفن‌های همراه با بروز برخی از ناراحتی‌ها از جمله احساس سرخی و بی‌حسی در گوش، چشم درد، بی‌خوابی، سوزش کلیه‌ها، سقط جنین، ابتلا به سردرد و غده‌های مغزی و سرطان‌های گوناگون ارتباط دارد.

ماهی و کاهش بیماری قلبی

محققان اعلام کردند که خوردن ۳۵ گرم ماهی در روز و یا ۲۵۰ گرم ماهی در هفته خطر حملات قلبی حتی در بیماران قلبی و در میان افراد سیگاری و افراد با وزن زیاد را کاهش می‌دهد. این نتیجه از بررسی ۱۸۸۲ مرد ۴۰ تا ۵۵ ساله که ۳۰ سال تحت نظر قرار داشتند، بدست آمده است. بررسی محققان نشان داده است که خوردن ماهی خطر بروز حملات قلبی را ۴۰ درصد و خطر بروز حملات قلبی کشنده را تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد.

چه عواملی ابتلا به سرطان را کم می‌کند؟

دکتر کلدیتز از دانشگاه هاروارد اعلام کرد که با ورزش می‌توان شمار مبتلایان به سرطان روده را تا ۵۰ درصد کاهش داد. تحقیقات انجام شده توسط وی و گروهش بر روی بیش از ۱۰۰۰۰۰ زن نشان داده است که هرچه تحرک و فعالیت این زنان بیشتر بوده امکان ابتلا به سرطان روده در آنها پایین‌تر بوده است. دکتر کلدیتز معتقد است که تنها با نیم‌ساعت پیاده‌روی تند در روز می‌توان ریسک ابتلا به سرطان روده را تا ۱۷ درصد کاهش داد. هنوز معلوم نیست که تحرک چه تأثیری روی سرطان دارد.

هم‌چنین گروه دیگری از محققان دانشگاه هاروارد به این نتیجه رسیده‌اند که ماده‌ی به نام لایکوپین در گوجه‌فرنگی وجود دارد که مانند ویتامین آ یک ماده‌ی احیا کننده است و در بدن باعث جلوگیری از سرطانی شدن سلول‌ها می‌شود. تحقیقات این پژوهش‌گران نشان داده است که مصرف گوجه‌فرنگی، خطر ابتلا به سرطان پروستات را تا ۴۰ درصد کاهش می‌دهد. گروه دیگری از دانشمندان در دانشگاه کلمبیا نیز توانسته‌اند ثابت کنند که میزان ماده‌ی لایکوپین در بدن بیماران مبتلا به سرطان ریه کمتر از انسان‌های سالم است.

کلسیم، مانع ابتلا به سنگ کلیه می‌شود

تاکنون تصور عمرمی و حتی بعضی از پزشکان این بود که مصرف کلسیم میزان ابتلا به سنگ کلیه را افزایش می‌دهد، اما نتایج یک بررسی علمی جدید که بر روی زنان صورت گرفته است، نشان می‌دهد زنانی که مقادیر زیادی کلسیم مصرف می‌کنند کمتر به بیماری سنگ کلیه دچار می‌شوند. در این بررسی پژوهشگران چند بیمارستان آمریکا، برنامه‌ی غذایی ۹۱۷۳۱ زن در سنین ۳۴ تا ۵۹ سال را مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار دادند و با مقایسه‌ی میزان ابتلا به سنگ کلیه در آنان با توجه به رژیم غذایی‌شان به نتایج یادشده رسیدند.

بر مبنای مطالعات دهه‌های اخیر احتمال وقوع چه تعداد زلزله در سال وجود دارد؟

● بر مبنای اطلاعات ثبت شده که از حدود سال ۱۹۰۰ میلادی در دست است می‌توان پیش‌بینی کرد که در هر سال ۱۸ زلزله بزرگ (۷/۵-۷/۹) و یک زلزله عظیم (۸ و بالاتر) روی دهد.

خاموشی اسلام کاظمیه

علی اصغر حاج سیدجوادی به انتشار نشریه موسوم به «جنبش» اقدام کرد و اندکی پس از انقلاب با تشدید جو اختلاق و سرکوب به پاریس مهاجرت نمود. وی در آنجا با علی امینی، نخست‌وزیر حکومت شاه در اوائل دهه ۴۰ از همکاری درآمد و به سازمان سیاسی وی موسوم به «جبهه نجات ایران» پیوست. با فوت علی امینی، جبهه نجات نیز از فعالیت بازایستاد و کاظمیه نیز از فعالیت سیاسی کنار کشید.

بخشی از فعالیت‌های ادبی و روزنامه‌نگاری کاظمیه در سه کتاب

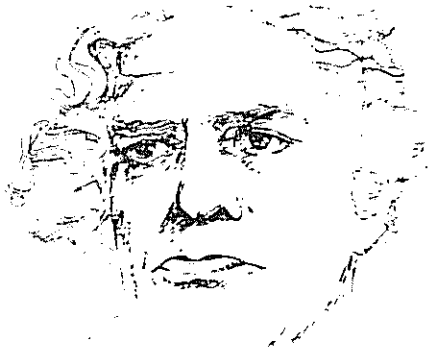
معروف او به نام‌های «داستان‌های شهر خوشبختی»، «داستان‌های کوچک دلخواه» و «جای پای اسکندر» گرد آمده‌اند. کاظمیه در دو کتاب اول عمدتاً به درگیری روشنفکر ایرانی و رویارویی او با جنبه‌های مختلف مدرنیته می‌پردازد و بحران‌های روحی و فکری‌ای را که از این رهگذر در فضای اندیشگی او پدید آمده را به تصویر می‌کشد. «جای پای اسکندر» خاطرات کاظمیه از سفر به بلوچستان را شامل می‌شود.

علت خودکشی کاظمیه را نزدیکان وی بحران‌های روحی ناشی از

اسلام کاظمیه، روزنامه‌نگار و نویسنده ایرانی روز دوشنبه ۱۵ اردیبهشت (۵ مه) در سن ۶۹ سالگی با خوردن سم به حیات خود پایان داد. کاظمیه از جمله نویسندگانی بود که در اواسط دهه ۴۰ برای تشکیل کانون نویسندگان فعلیتی چشمگیر داشتند. وی در سال ۵۶ با احیا مجدد کانون نویسندگان به عضویت هیئت اجرایی این کانون درآمد و در سازماندهی برنامه موسوم به «ده شب» نقش فعالی داشت. این برنامه در انستیتو گوته برگزار شد و نویسندگان و هنرمندان ایرانی در طی آن با شعرها و سخنرانی‌های متعدد خویش صدای خود را علیه سانسور و اختناق رژیم شاه بلند کردند.

کاظمیه در آستانه انقلاب به همراه

احمد شاملو یک پای خود را از دست داد



سال‌های اخیر شاملو از درد پیا رنج می‌برد و از تحرک طبیعی‌اش به میزان معینی کاسته شده بود، به گونه‌ای که به کمک عصا و چرخ دستی راه می‌رفت. جراحی پای شاملو بدون مشکل صورت گرفت و وی اینک دوران نقاهت خود را طی می‌کند. کارکنان کار ضمن ابراز تأسف از نقص جسمی که عارض شاعر بلندآوازه ایران شده است، برای وی سلامت و طول عمر آرزو می‌کنند.

احمد شاملو، شاعر و نویسنده نامدار ایران هفته گذشته به دلیل بیماری قند و تنگی عروق مجبور شد از پای راست خویش صرف‌نظر کند و آن را برای قطع به تیغ جراحی پزشکان بسپارد. شاملو که هفتاد و دومین سال زندگی خود را سپری می‌کند، قبلاً دوبار پای راست خود را برای عمل Bypass به تیغ جراحان سپرده بود، که نتیجه مطلوب را نخبشید و کار نهایتاً به قطع پسی وی انجامید. در

نخل طلائی جشنواره کان برای «طعم گیلان» کیارستمی



دهد. کیارستمی با عدم اعلام صریح علل خودکشی بدیعی راه را برای برداشته‌های سیاسی و اجتماعی باز می‌گذارد. بدیعی قبری هم برای خود آماده می‌کند، اما نگرانی‌اش این است که آیا کسی در روز پس از خودکشی چند بیلی خاک بر جسدش خواهد ریخت. برای رفع این نگرانی و یافتن فردی برای این امر، او با افراد متفاوتی وارد گفتگو می‌شود که بخش اصلی فیلم را در واقع همین گفتگوها تشکیل می‌دهند، گفتگوهایی که در ضمن پرداختن به مسائل و مضمون زندگی، از جنبه‌های اجتماعی و سیاسی هم بری نیستند. می‌توان گفت که این فیلم اجتماعی‌ترین فیلم کیارستمی است که در آن از کودکان و نگاه‌های شاعرانه آن‌ها به زندگی اثری نیست و رگه‌های بیشتری از زیر و بم زندگی جاری در جامعه کنونی ایران در آن بازتاب یافته است. سرانجام فرد مصمم به خودکشی، یک پیرمرد شش‌ساله در یک موزه را به خاک افشانی بر جسدش قانع می‌کند و حتی حاضر می‌شود که برای این کار پول هنگفتی بپردازد. هنگامی که این دو با اتومبیل به سوی خانه در حرکت‌اند تا بدیعی قرص‌هایش را بخورد و سپس به سوی قبر روانه شوند، یکی از گفتگوهای جالب و پرکشش میان آن‌ها بر سر زندگی در می‌گیرد. پیرمرد از بدیعی از جمله می‌پرسد که آیا دلش برای طلوع آفتاب، برای دیدن سبزه، برای طعم گیلان (که کنایتی از طعم زندگی است) تنگ نخواهد شد.

بدیعی سرانجام در شبی پررعد و برق در قبر می‌خوابد، اما بیننده در نمی‌یابد که وی بالاخره می‌میرد یا نه. پس از خوابیدن بدیعی در قبر که به گفته بسیاری از منتقدان از صحنه‌های اعجاب‌آور فیلم است، کیارستمی زمان را به چهارماه بعد منتقل می‌کند، به یک صبح آفتابی که یک گروه فیلم‌برداری در همان محل قبر

فیلم «طعم گیلان» آخرین اثر عباس کیارستمی، سینماگر معروف ایران، سرانجام توانست از سد مسئولان فرهنگی رژیم عبور کند و به جشنواره کان راه یابد. برخی گزارش‌ها حاکی از آن بود که عدم شرکت این فیلم در جشنواره فجر و نیز موضوع آن که از تصمیم یک فرد به خودکشی شروع می‌شود بهانه‌هایی بوده‌اند که مقامات مسئول جمهوری اسلامی در توجیه مخالفت خود با ارسال «طعم گیلان» به کان، ارائه کرده‌اند. اما بعدتر وزارت خارجه جمهوری اسلامی با توجه به تنش‌های کنونی در روابط رژیم با اروپا و برای ممانعت از انزوای بیشتر حکومت در نزد جهانیان، از وزارت ارشاد خواست که با تجدید نظر در تصمیم خود و موافقت با اجازه ارسال فیلم کیارستمی به کان، به ترمیم وجهه خارجی رژیم کمک کند و از بار تبلیغاتی که پس از رای دادگاه می‌کونوس بر علیه جمهوری اسلامی به راه افتاده بکاهد. کیارستمی که در ابتدا از تصمیم وزارت ارشاد ابراز تأسف کرده و آن را به باد انتقاد گرفته بود، پس از صدور اجازه ارسال فیلمش به جشنواره کان، از مقامات مسئول تشکر کرد و مخالفت اولیه وزارت ارشاد را به قصور خود در تحویل به موقع فیلم به این وزارتخانه نسبت داد.

فیلم «طعم گیلان» که ۱۶ ماه به عنوان یکی از فیلم‌های پیش مسابقه جشنواره کان به نمایش درآمد، ماجرای مرد میانسال و تحصیل‌کرده‌ای به نام آقای بدیعی است که قصد خودکشی دارد. او که به رغم رفاه نسبی از زندگی خسته و درمانده شده، تصمیم می‌گیرد که همه قرص‌های خویش را یکجا بخورد و به زندگی خود پایان

اعتراضی که وقفه نمی‌پذیرد

زندان دیاربکر - یعنی زندانی که در آن خوردن موش اجباری و جزو شکنجه‌ها بود و زندانیان خود را می‌سوزاندند تا از شر شکنجه‌های مرگ‌آور راحت شوند - به سرآورد. او با شرکت در اعتصاب غذایی که سال ۱۹۸۴ در زندان برای اعتراض به نقض حقوق بشر به راه افتاد، تا پای مرگ پیش رفت و وضعیت جسمی‌اش به شدت آسیب دید. وی پس از آزادی از زندان دوباره انتشاراتی خود را به راه انداخت. نوشتن مقالات و نقدهای معترضانه را از سر گرفت و در بحث‌های رادیو و تلویزیونی حضوری برجسته یافت و دوباره دستگیری و دوباره محاکمه ... اما او که اینک به عضویت انتشاراتی انجمن قلم انگلستان، آمریکا، کانادا، بلژیک و نروژ پذیرفته شده است، از نوشتن بازآیستاده و اخیراً کتاب خود با نام «مسئله ارمنی‌ها» را به بازار فرستاده است. نوشتن این کتاب را مراسلی در زندان آغاز کرد، اما دست‌نویس آن سال ۱۹۹۴، اندک زمانی پیش از انتشار در جریان تفتیش خانه‌اش توسط پلیس از بین رفت. مراسلی مجبور شد کتاب را دوباره از نو بنویسد.

مراسلی به نماد مقاومت در جامعه ترکیه بدل شده است. او را شکنجه کرده‌اند و به سلامت آسیب‌های جدی وارد ساخته‌اند، اما نتوانسته‌اند روح و اندیشه را در وجودش خاموش کنند.

رجب مراسلی، نویسنده مبارز ترکیه که به خاطر مخالفت با سرکوب و اختناق و اعتراض به پیام‌ها شدن حقوق کردهای ترکیه بارها به حبس افتاده و شکنجه شده است، هفته پیش بار دیگر در دادگاهی در استانبول مورد محاکمه قرار گرفت. مراسلی که اینک ۴۱ سال دارد، هنگامی که هنوز به دبیرستان می‌رفت به خاطر نوشتن مقاله‌ای علیه اعدام مخالفان سیاسی در یک روزنامه محلی، دستگیر و به دو سال حبس محکوم گردید. وی از آن پس به خاطر فعالیت‌های آزادیخواهانه‌اش گاه و بی‌گاه به زندان افتاده و مورد سخت‌ترین شکنجه‌ها واقع شده است. به گونه‌ای که اینک از درد چشم و عدم تعادل جسمی رنج می‌برد که حاصل فشارهای عصبی ناشی از شکنجه و بدرفتاری در زندان‌هاست.

مراسلی، اول مارس امسال همراه با همسرش در فرودگاه استانبول دستگیر شد. جرم او نوشتن و نشر کتاب در انتشاراتی کمال می‌باشد که در دهه ۷۰ توسط خود وی و دوستانش بسراپا گردیده است. دورنمایه این کتاب‌ها به «مسائل ممنوعه‌ای» همچون زندگی و حقوق کردهای ترکیه مربوط می‌شود. مراسلی که تا پیش از دهه ۷۰ به حبس‌های کوتاه مدت عادت کرده بود، با روی کار آمدن کودتاچیان در سال ۱۹۸۰ به حبس دراز مدت و تمام با شکنجه‌های روحی و جسمی ناپودکنده گرفتار شد. او ۱۱ سال را در

فرانسه، انگلیسی، عربی، آلمانی و روسی را به خوبی می‌داند. تخصص او در زبان‌های ایرانی میانه به‌ویژه پهلوی و پارسی بود و در این زمینه او از معدود صاحب‌نظران جهان بود. تنها در شش جلد اول دانشنامه ایرانیکا ۳۵ مقاله از او به چاپ رسیده است. تفضلی مرد اخلاق و عقل و علم بود. از آن دسته انسان‌ها که قائل به گفتن حقیقت هستند هرچند از آن پس آسوده نماند، نوعی تعهد اخلاقی به حقیقت، علم و تفکر داشت، و پس از آن بهر و سخاوتی بی‌دریغ نسبت به دانشجویان و محققانی که با او به کار می‌پرداختند. تفضلی کوتاه‌نویس بود و از پراکنده‌نویسی و بسپوده‌نویسی به شدت پرهیز داشت، تنها دانش خواه و عاشق پژوهش نبود، نسبت به دانشمندان و محققان ارادت خاصی داشت. جشن‌نامه دکتر عباس زریاب خوبی به همت و دانایی او در زمانی که استاد در قید حیات بود به چاپ رسید. تفضلی، استادی خردمند و انسانی مهربان، و دلسوز بود. با مرگ او ستون استواری از ایران‌شناسی جهان به یک‌باره فرو ریخت.

بسرنامه‌های دور و دراز علمی، پژوهش‌ها، مقالات، آرزوها و جانی پر از عشق به زندگی و دانش خاک شد.

در باره ایران‌شناس ارزنده:

احمد تفضلی

جلد ۲، شناخت اساطیر ایران، اسطوره زندگی زرتشت، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام (با همکاری دکتر ژاله آموزگار) و کتاب Anthologie de Zadspran را به فرانسه نوشت. پیش از ۵۰ مقاله به فارسی، ۷۰ مقاله به فرانسه و انگلیسی و ده‌ها نقد به همین زبان‌ها از او در جای‌جای جهان انتشار یافته است. شمع وجود خردمندش در شامگاه دوشنبه ۲۴ دی ۱۳۵۷ خاموش شد.

احمد تفضلی انسانی خردگرا و خردمند با روحی به لطافت باران بهاری بود، هم‌چنان که استاد دانشگاه تهران، مدیر گروه زبان‌های ایرانی، مدرس چند درس در هفته، مشاور بنیاد شاهنامه، سرپرست دانشجویان خارجی دانشکده ادبیات، مشاور و مقاله‌نویس دانشنامه ایرانیکا و ... بود. وی در غالب مجامع علمی و کنگره‌های تخصصی ایران‌شناسی جهان مشارکت داشت و اشرافی بی‌بدیل به رشته خود افسانه‌ئی ایران - جلد ۱ و

از حدود ده سال پیش ریاست بخش دانشجویان خارجی دانشکده ادبیات را به عهده داشت. از ۱۳۷۰ به عضویت پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی درآمد و از ۱۳۷۳ معاونت علمی و پژوهشی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی را به عهده گرفت.

در مدرسه عالی سوربون و دانشگاه‌های تسوکو، پکن، سن‌پترزبورگ و هاروارد آمریکا به عنوان استاد مدعو تدریس و تحقیق کرد.

او عضو انجمن آسیایی پاریس، انجمن بین‌المللی کتیبه‌های ایرانی (انگلیستان)، کمیته بین‌المللی آکتایرانیکا (بلژیک)، هیئت مؤسس انجمن آثار ملی، شورای علمی مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی بود.

کتاب‌های واژه‌نامه مینوی خرد، ترجمه مینوی خرد، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ئی ایران - جلد ۱ و

احمد تفضلی در ۱۶ آذرماه ۱۳۱۶ در اصفهان پا به جهان هستی گذارد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و به سال ۱۳۳۵ دیپلم ادبی خود را از دارالفنون تهران گرفت. در سال ۱۳۳۸ در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران با رتبه اول فارغ‌التحصیل شد و در همان سال در دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران به ادامه تحصیل مشغول شد. از ۱۳۴۰ تا ۴۴، دانشجوی فوق‌لیسانس مدرسه زبان‌های شرقی دانشگاه لندن بود و هم‌زمان دوره‌ئی برای تحقیق در پاریس گذراند.

پس از اخذ درجه فوق‌لیسانس مدرسه زبان‌های شرقی، در سال ۱۳۴۵ درجه دکترای رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی اخذ کرد. رساله دکترای او تحقیق در دینکرد نه بود. به طور رسمی از ۱۳۳۷ تا ۴۵ در استخدام اداره فرهنگ عامه، از ۴۵ تا ۴۷ پژوهش‌گر بنیاد فرهنگ ایران بود، از ۴۷ به طور رسمی با سمت استادیار در گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. در سال ۵۲ دانشیار و در ۵۷ استاد شد و تا آخرین روز حیات استاد دانشگاه تهران ماند.

توبت محبت‌ورزی

باخبر شدیم که اخیراً صدور مجوز چاپ یک کتاب، منوط به جایگزینی واژه «محبت» به جای «عشق» در آن شده است. ما برای این که کار مسئولان ذریبط را راحت‌تر کنیم، دستورالعمل آنها را شسته و رفته به سمع و بصر همه می‌رسانیم تا بدانند و آگاه باشند که در این رابطه، چکار باید بکنند:

ابلاغیه

بدین وسیله به گیرندگان زیر ابلاغ می‌شود که برای حفظ موازین اخلاقی و جلوگیری از انحرافات افکار عمومی و پائین آوردن آمار جرم و جنایت و خیلی چیزهای دیگر، از این پس به جای کلمه «عشق» و مشتقات آن از کلمه «محبت» و مشتقات آن استفاده کنند.

رونوشت به:

- سرایندگان و چاپ‌کنندگان غزلیهای محبت‌ورزانه!
- محبت‌ورزهای (عاشق‌های سابق) آذری!
- بستان سببی و نسبی مرحوم میرزاده محبتی!
- اهالی شهر محبت‌آباد (عشق‌آباد سابق) و نقشه‌کش‌های جغرافیا!
- «مرغ محبت» فروشان خیابان مولوی تهران!
- سراینده معلوم‌الحال شعر «هفت شهر محبت را عطار گشت ...»!

تکلمه: پدر محبت‌ورزی، بسوزد که ما را وادار به ابلاغ چه چیزهایی می‌کند! به قول معروف: از عشق خارها گل می‌شود. (ای بابا، این یکی که برعکس شد!)

«بی‌بی گل»

برگرفته از ماهنامه گل آقا

بنی صدر:

رژیم فاقد هرگونه مشروعیت در درون و بیرون میهن است

مصاحبه نشریه کار با آقای ابوالحسن بنی صدر



انتخابات ریاست جمهوری این موضع و نیاز رامطرح کردیم که اپوزیسیون دموکرات برای انسجام صفوف خود، برای ایجاد یک قطب و آتسرناتیو در برابر جمهوری اسلامی و برای شناساندن خود به مردم ایران، ضروری است از فرصت و بستر رویدادهای سیاسی و روندهای موجود در کشور استفاده کند و بطور مثال از جمله در خارج از کشور برای معرفی کاندیدای مشترک تلاش کند. این پیشنهاد نه در چارچوب تاثیرگذاری و ایجاد تحول در درون نظام انسان که برخی دیگر نیروها بنا بر موقیعت خود آن را بی می گیرند، بلکه اساسا در چارچوب ارائه بدیل و در برابر نظام جمهوری اسلامی مطرح شد. روشن است با حد هماهنگی ها و نزدیکی های کنونی نیروهای اپوزیسیون، حصول توافق حول این موضوع امر ساده ای نیست و متاسفانه به زمان باز هم بیشتری نیاز دارد اما به نظر شما آیا نباید در این مسیر حرکت کرد؟ و آیا اپوزیسیون دمکرات و آزادخواه رژیم نباید به اشکال گوناگون بطور عملی و مشخص وارد این عرصه شود؟

بنی صدر: پیشنهاد شما، «پیشنهاد نامزد مشترک نمایان های مردم سالار» با یک مشکل بزرگ روبروست. در انقلاب ایران، عموم مردم شرکت کردند، زیرا گمان می کردند کسی در رهبری آن قرار گرفته است که در پی قدرت و ریاست نیست. ریاست دینی را دارد و آن را با ریاست سیاسی عوض نمی کند. واکنش جامعه خود شدت فریب را بیان می کند. طی نیم قرن نیز مخالفان رژیم شاه و پس از آن نیز، هدف فعالیت سیاسی را دست یابی به قدرت تبلیغ کرده اند. نتیجه، وقتی نیروهای مردم سالار نیز رئیس معین می کنند، در نظر جامعه مداربسته ای بوجود می آید که در آن، چند دسته، با چند رئیس در سبزه یکدیگرند. جامعه نقش تماشاچی را پیدا می کند و شب سیاه استبداد دیرپا می شود. افزون بر این، وقتی آزادی هدف می شود، به به توجیه میگویند رجوع می دهیم - روش ها و سازماندهای دیگر می شوند. ایجاد جریان اندیشه، پیشنهاد آرمانها، پیشنهاد نظام جانشین، پیشنهاد برنامه، کوشش برای پاک کردن صحنه سیاسی ایران از دو خطر، یکی مثلث زورپرست و دیگری ابهامها، تقدم پیدا می کند. جامعه جوان امروز باید بتواند از گنجی بدراید. این امر به پایان بخشیدن به کینه و دشمنی به دین و مرام، ایجاد محیط سالم بحث آزاد، قهرزدائی از محیط سیاسی و شرکت فعال در جریان اندیشه برای رسیدن به اشتراک در اصول راهنمای مردم سالاری و اندیشه جمعی برای آنکه جامعه ای در مردم سالاری رشد کند، دارد.

تمایلهایی که ورود در این عرصه را هنوز کار سیاسی تلقی نکرده اند، باید در نظر و روش خود تجدیدنظر کنند و به جریان اندیشه شتابی را بخشند که بدان، جامعه جوان ایران خود را بازیابد، جهت عمومی حرکت را تشخیص دهد و در این جهت به حرکت درآید.

کار: با تشکر فراوان از انجام این مصاحبه بنی صدر: کامیابها و شادبهای شما روزافزون

از این بابت افسرده بوده و در گور خود آسایش ندارد. در فلسطین ملتی گروگان نتان یاهوست. تاکنون دولت نروژ چنین وانمود کرده است که قصد دادن صلح و آزادی به ملت گروگان فلسطین را دارد. اما هیئت به اصطلاح صلح نروژ چیزی بیش از یک فریب نبوده است. در تاریخ بیست و پنجم آوریل امسال نروژ با امتناع از شرکت در رای گیری در حقیقت امر به حمله اسرائیل به ملت گروگانگیر فلسطین را می داد. زمانی که گروگانگیران آقایان و سروران باشند ما از رای دادن انصراف می کنیم (نروژ) به عنوان نمونه زمانی که بانک جهانی به انگیزه رفاه بنیادی صدها میلیون از انسانهای فقیر جهان را محتاج به آب و نان روانه شان می کند و سالیانه نیم میلیون کودک را به کام مرگ می فرستد و با زمانی که چهارده میلیون کرد گروگان خانم چیلر خطر کوچ اجباری، شکنجه، اعدام و یا روستاهای سوخته مواجه اند. خانم چیلر از آن نوع گروگانگیرانی است که هم لباسهای قشنگ به تن می کند و هم موهای آراسته ای دارد. خانم چیلر کجا و سرخپوست ماسک زده ای که اونیفورم چرکین به تن دارد، کجاست؟

وارد می شود، برای آنکه افراد آن، روحیه را نبازند و ترس از پایان کار رژیم، افراد آن را فرا نگیرد، به تنهاوسیله ای که دارد، یعنی زور و قهر روی می آورد. به این گمان که موفق می شود هم شکست بزرگ را موفقیت جلوه بدهد - سرافکنده، سفیران خود را باز پس فرستادند و نپذیرفتیم! - و هم در نظر افراد، از موضع قدرت صحبت کرده باشد! ب - اما، این بار، ملاتاریا نتوانست دو زبان خود را بکار برد. همواره یک زبان برای خارجیان داشت و با آنها بکار می برد و یک زبان برای ایرانیان داشت و با ایرانیان بکار می برد. سخنان آقای خامنه ای، هم زمان شد با «لاری گیت» و «منبر گیت». در محافل سیاسی اروپا نیز، این سخن «مقامات ایرانی» بر سر زبانهاست: تفاهم با آمریکا و اروپا. بسیار آسانتر با شرایط سهل تر برای ما میسر است!

اینطور به نظر می رسد که آقای خامنه ای گمان می برده است که از بیم رفتن رژیم به طرف آمریکا، آلمان و اروپا، قهر زبانی او را به روی خود نمی آورد. یک چند از کشورهای اروپایی سفیران خود را می فرستند و آنها هم که نمی فرستند، از موضع ضعف، ناگزیر می شوند به ایران سفیر بفرستند.

آقای کینکل، وزیر امور خارجه آلمان، دیر متوجه شده و گفته است ایران نمی تواند میان اروپائیان جدائی بیاندازد. و می دانید که برخی از سیاستمداران اروپایی نیز پیشنهاد می کنند سیاست مشترکی را بیابند با اشتراک آمریکا و اروپا!

اما آیا ربطی سخنان او با «انتخابات» ریاست جمهوری دارد؟ آقای کینکل سخن آقای خامنه ای را مانوری به قصد اثر گذاشتن در «انتخابات» ارزیابی کرد. گویا آقای وزیر نمی دانند که آقای خامنه ای «رهبر» است و نامزد ریاست جمهوری نیست. مگر اینکه بگوئیم نگران زیاده از حد داغ شدن «تور انتخابات» و بیدار شدن «جامعه خفته» شده است و ایجاد ترس از «خطر هجوم آمریکا با استفاده از حکم دادگاه میگویند» و تشدید جو ترس از عسلی بزرگ برای بازداشتن مردم از حرکت تصور کرده است. بر فرض صحت این نظر، پس اثر رای دادگاه این شده است که پرده تزویر رژیم پاره شود و قیافه استبداد تبهکار، بی پرده آشکار شود.

بنی صدر: در پاسخ پرسش چهارم، بر پاسخ پرسش اول تکیه می کنم: نمی توان در نظام خائنان و فاسدان و چانیان (بنا بر احکام دادگاهها و تحقیقات رسمی) درآمد و آن نظام را تغییر داد. و نیز، نمی توان سخن پرفریب «انتخاب میان بد و بدتر» را وحی منزل تلقی کرد و عمل در محدوده رژیم ملاتاریا را توجیه کرد. اگر جبر نظام وجود ندارد، پس راه حل پیشنهاد نظام جانشین است. راه حل کوشش برای ایجاد نیروی جانشین در نظام جانشین است. راه حل دعوت جامعه به بدر آمدن از لباس بی تفاوتی و ترس است. راه حل دعوت از جامعه به نفی نظام توتالیتر است. بدینترتار، تحریم «انتخابات» به استفاده از وسیله اعمال حق حاکمیت است. به عکس دعوت به شرکت در انتخابات، جامعه را به درآمدن به درون نظام بسته نظام خیانت و فساد و جنایت دعوت کردن است. جامعه از حق رای دادن نیست که استفاده می کند. زیرا این حق در واقع وسیله اعمال حق اصلی یعنی (بر فرض که رای دادن را بکار بردن این وسیله برای اعمال حاکمیت بدانیم) حاکمیت است. رای دادن در محدوده نظام توتالیتر، سلب حاکمیت از خود و تصدیق نظام توتالیتر است. مخالفی که مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می کند، نظام را تصدیق و خود را به مثابه مردم سالار تکذیب می کند.

کار: در یکی از سرمقاله های نشریه کار پیرامون «دو نوع گروگان...» ادامه از صفحه ۱۲ باید گفت دو نوع مختلف گروگان و هم چنین دو نوع مختلف گروگانگیر وجود دارند. چنانچه که گروگان ها عده محدودی انسان سفید ثروت مند باشند در آن صورت گروگانگیران مستحق مرگ هستند. اما اگر برعکس گروگانگیران تعداد محدودی انسان سفید و ثروتمند باشند این گروگان ها هستند که مستحق مرگ هستند. تنها استثنایی که ممکن است در مورد شکل دوم پیش بیاید این است که عده ای بدون اینکه اقدامی برای رهایی گروگانها بکنند به یک اظهار تأسف بسنده کنند. در حال حاضر صدهزار گروگان زنجیری قطار قطار در راههای اطراف روستاهای ژنیر سرگردانند. در ژنیر هم همچون پرو تعداد معدودی ثروتمند سفیدپوست از میان مردم فقیر این کشور برای خود جلا دانی دست و پا کرده اند. چنین گفته می شود که سرکرده جلا دانی زنجیری روزگاری جزء وابستگان چه گوارا بوده است. اما چه گوارا بی شک خود

به تدریج قلمرو نظام حاکم، تنها قلمرو فعالیت می شود. اگر همه چنین کنند، جامعه بکلی از خوب غافل می شود و بر او همان می رود که بر جامعه های استبداد زده رفت. یک مثال: انتشار مطالعه پیرامون ولایت فقیه، ادامه یافت تا آنجا که به قول آقای آذری قمی، در درون رژیم نیز، کسی به آن باورمند، نماند. در جریان این کوشش اساسی، گروه هایی که سرانجام عمل در محدوده نظام را پذیرفتند، شرکت در این کوشش را ترک گفتند. آنها، دیروز، ولایت مطلقه فقیه را بدی می شمردند و وصله ای ناجور به دامن اسلام می خواندند، اما امروز، التزام به آن را با وجود «بدتر» توجیه می کنند. همین رفتار را در مورد کشتار میگویند و حکم دادگاه، در پیش گرفتند.

رها کردن سرها از جبر نظام و هر جبر دیگری و رها کردن زبان فریب و آزاد شدن از جبر «بد و بدتر» و توجه به این واقعیت که میان بد و بدتر انتخاب وجود ندارد و هر کسی از ترس بدتر، بد را انتخاب کرد، در واقع تسلیم بدتر شده است. درسهای بزرگ دادگاه میگویند است و بکار ایرانیان برای آزاد شدن، فراوان می آید.

کار: در روز ۹ اردیبهشت اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ برای اتخاذ تصمیم در مورد نحوه تنظیم مناسبات با جمهوری اسلامی تشکیل شد. ارزیابی شما از نتایج آن چیست؟

بنی صدر: تصمیم وزیران خارجه اروپا، اتخاذ یک سیاست نبود. با وجود این، رای دادگاه، با تصمیم وزیران، به یک حکم سیاسی بدل شد: دولت ملاتاریا یک دولت تروریست است. از این پس، دو جهت ممکن است اروپا و آمریکا در پیش بگیرند:

الف - به سیاست «بی طرفی فعال» نزدیک شوند و در نتیجه، فشار از بیرون به ایران به حد قابل برسد و امکان جنبش مردم بدون بیم از خطرهای فرضی، یک حرکت عمومی، فراهم آید. ب - اروپا نیز به سیاست تحریم آمریکا بپیوندد و چنان شود که پروان جبر «بد و بدتر» تبلیغ می کنند و آمریکا ایران را موشک باران نیز بکند. در این صورت فشار از بیرون، به ملاتاریا فرصت خواهد داد که همچون رژیم صدام، جامعه را در جبر «بد و بدتر» نگاه دارد.

زورپرستان اینگونه فرصتها را برای آن مغنم می شمارند که با طبیعت قدرت های خارجی - درجه اول آمریکا - سخن بگویند و گمان می برند در حالت تحریم و قهر، جریان سیاسی مردم سالار از صحنه بیرون می رود. در صحنه آنها و قدرت حاکم مشروعیت یافته و منزوی می ماند و با حمایت قدرت های خارجی، آنها جانشین ملاتاریا می شوند!

با آنکه تجربه عراق خطا بودن این تصور مایخولایی را مسلم کرد، اما دست از رویه خطا بر نمی دارند زیرا ترک این رویه با مهر ابطالی می پندارند که بر موجودیت خویش می زنند.

در رژیم ملاتاریا نیز، هسته ای که قهر را تنها وسیله کرده است، می کوشد این حالت تحریم و قهر را تحمیل کند. هدف فعالیت های تروریستی جز رسیدن به این وضعیت چه می تواند باشد؟

در این میان، نقش تعیین کننده را نیروهای مردم سالار، از راه وسایل ارتباط جمعی و افکار عمومی می توانند بازی کنند. در صورتی که پیروزی در دادگاه میگویند را مغنم بشمارند و به خود هویت روشن بدهند و نقش مردم ایران را به این مردم، مرتب یادآور شوند. وقتی ملتی ازاد خویش را ابراز کرد و جهانیان را از مخالفت خود با دولت خائن به ایران و خائن به ثروت های ملی ایران و تروریست، آگاه کرد، افکار عمومی جهان نمی پذیرد، بجای دولت تروریست، ملتی که اسیر آنست، مجازات شود.

بنی صدر: از انگیزه های آقای خامنه ای دو انگیزه مهمتر هستند: الف - افراد رژیم (پاسدار و بسیجی) جز زور از سران خود نشینده اند. رژیمی که هرگونه مشروعیتی را در درون و بیرون از دست می دهد، وقتی ضربه مرکب حکم دادگاه بر او

پس از تشکیل اجلاس وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سوی نشریه کار پیرامون نتایج و پیامدهای رای دادگاه میگویند و نیز انتخابات ریاست جمهوری در ایران مصاحبه ای با آقای ابوالحسن بنی صدر صورت گرفت که در زیر متن آن را می خوانید:

کار: رای دادگاه میگویند یک پیروزی تاریخی مردم ایران و نیروهای اپوزیسیون علیه تروریسم جمهوری اسلامی بود. ما بایم بویژه از شما که نقش مؤثری در این امر داشتید پیرامون ثمرات و پیامدهای این رای سؤال کنم.

بنی صدر: پیامدهای رای دادگاه میگویند، بنا بر میزان اهمیت عبارتند از:

*** ایرانیان که به قدرت و بخصوص قدرت های خارجی، نقش اول را می دادند، اینک متوجه می شوند که حق آرزو است و اگر بر سر حق خود بایستند و بر سر آن، تن به معامله ندهند، پیروز می شوند.

بدین ترتیب، اعتماد بنفسی که ایرانیان پیدا می کنند و نیز با درس تجربه اینک می توانند پیروزی بر استبداد و البته ملاتاریا را ممکن بدانند. اعتماد بنفس و قدرت را هدف فعالیت نکردن و حق را هدف قرار دادن، دو شرط اصلی پیروزی گرایشهای مردم سالار هستند و این دو درس، از درسهای محاکمه میگویند هستند.

دادگاه، سه صفت پیدا کرد که آن را فاقد هرگونه مشروعیتی می گردانند. این سه صفت، خائن، فاسد و تروریست هستند. در درون مرزها نیز، مشروعیتی را که از انقلاب می گرفت، از دست داده است. مشروعیت از حسن اداره امور را هرگز پیدا نکرده است. مشروعیت از پاسداری از استقلال کشور را در پی کی رشته خیانتها از دست داد. مشروعیت از اسلام را، از جمله، به دلیل صفتها که بدست آورده، از دست داده است. اما در جریان دادگاه، مشروعیت خود ساخته را نیز از دست داد. یکبار دیگر ثابت شد که رژیمهای توتالیتر، منشا مشروعیتی را که خود ایجاد می کنند، سرانجام، از میان می برند. در حقیقت، ولایت فقیه که بعد آقای خمینی بدان صفت مطلقه بخشید، در اسلام نیست. او جعل کرده است. او نوشت حکومت اسلامی فوق دیگر احکام دین است. اما در جریان دادگاه، اشخاص (آقایان خامنه ای و رفسنجانی و فلاحیان و ولایتی و ...) فوق ولایت مطلقه شدند. زیرا نه تنها تروریست خواندن دولت را تحمل می کردند بلکه تهدید می کردند اسم بردن از «رهبر» و «رئیس جمهوری» را تحمل نمی کنند، بلکه مصلحت دولت اسلامی را که گویا فوق دیگر احکام دین بود، آشکارا فدای مصلحت اشخاص کردند. ترتیب عادی که مصلحت گروه ها و افراد، فدای مصلحت دولت و مصلحت دولت فدای مصلحت کشور می شود، در ایران امروز، یکسره وارونه گشته است: مصلحت کشور و دین فدای مصلحت دولت و مصلحت دولت فدای گروه ها و مصلحت گروه ها فدای مصلحت سرگروه ها می شود. ملاتاریا ندانست که با تهدیدهای مستمر خویش، دادگاه را از این واقعیت آگاه می کند و این واقعیت در حکم دادگاه منعکس می شود: این اشخاص که در «کمیته عملیات ویژه» گرد آمده اند، دین و دولت را وسیله تروریسم ساخته اند و آلت غرض های خویش گردانده اند.

بنی صدر: رژیم فاقد هرگونه مشروعیت در درون و بیرون میهن ما گشته است.

*** موضع گیریهای گرایشهای سیاسی و گروه ها و اشخاص، در جریان دادگاه، یک واقعیت را آشکار کردند و به جامعه ما امکان دادند از زبان فریب سردرآوردند:

... واقعیت این است که هر کسی و هر گروه که جبر یک نظام را پذیرفت و خود را تحت آن قرار داد، از عمل آزاد محروم می شود چه رسد به بیان حق در برابر نظام ستمگر. از این رو بود که گروه ها و گرایشها و اشخاصی که می خواستند در نظام استبداد فقیه عمل کنند، از کشتار در میگویند، ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۲، تا صدور حکم، ۱۰ آوریل ۱۹۹۷، اگر سکوت را شکستند، برای آن بود که فرصت را برای قدح کسانی که بر سر حق ایستاده بودند و مدح دولت تروریست مغنم بشمارند.

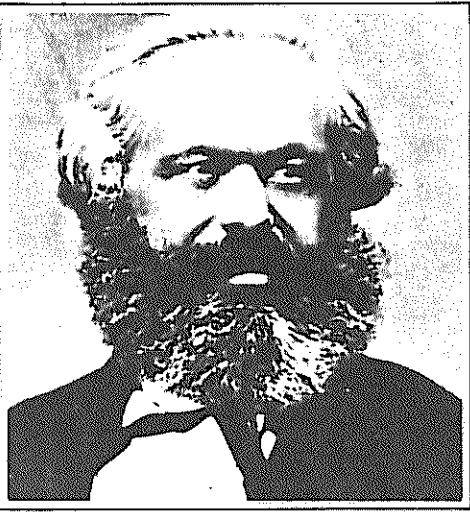
رفتار افراد سازمانهای زورپرست نیز بر عموم عیان است. بدینترتار، ایرانیان اگر بخواهند توانایی خویشتن را بازیابند، نخست باید از جبری رها شوند که خود می سازند و بر خویشتن حاکم می کنند: جبر قدرت های جهانی که گویا هر چه در عرصه گیتی روی می دهد، به اشاره آنهاست، جبر نظام حاکم، جبر سازمان و جبر «بد و بدتر».

... آنها هر عمل در محدوده نظام توتالیتر را می پذیرند، در تسویه رفتار خویش، همواره مردم را از «بدتر» می ترسانند. مستبدان خود نیز چنین می کنند. اما این «مخالفان میانه رو» هستند که با ترساندن از «بدتر»، مردم را کارپذیری می کنند. در حقیقت، زبان فریب، همواره بخشی از واقعیت را از دید خرد، پنهان می کند: انتخاب میان خوب و بد وجود دارد. وقتی خوب را از دید پنهان کردی و ناگفته ماند،

در آستانه امروز

قسمت چهارم

امیر مُمبینی



زرفش تضاد میان شکل اجتماعی کار و مالکیت خصوصی وسایل تولید (تضاد نیروهای مولده و مناسبات تولیدی)، به دلیل اردو آرایی ژرفنده دو طبقه هم‌ساز سرمایه‌دار و کارگر، مرگ خود را در درون خویش می‌پرورانند و سرانجام این نظام با پیشاهنگی و اقدام انقلابی طبقه کارگر از میان می‌رود و جای خود را به سوسیالیسم و کمونیسم می‌دهد. □

تضاد و ستیز طبقاتی

شالوده اندیشه مارکس در باره نابرابریهای اجتماعی در همان جمله‌ای متبلور است که در آغاز «مانیفست حزب کمونیست» آمده است:

«تاریخ همه جامعه‌هایی که تاکنون وجود داشته‌اند، تاریخ ستیزه طبقاتی بوده است.»

از دید مارکس جامعه جدید یک جامعه طبقاتی است که با توجه به نیروی چیره بر آن، و با توجه به کارکرد آن، یک جامعه سرمایه‌داری است. این جامعه مرکب است از دو طبقه اصلی سرمایه‌دار و کارگر و اشراری که در راستای تکامل سرمایه‌داری موقعیت خود را بیش از پیش از دست می‌دهند و در طبقات اصلی تحلیل می‌روند. مارکس در این باره می‌نویسد:

«جامعه امروزی سرمایه‌داری که از درون جامعه از میان رفته فئودالی برخاسته است تضادهای طبقاتی را از میان برده بلکه تنها طبقات جدید و شرایط جدید ستمگری و اشکال جدیدی از ستیز را جایگزین اشکال کهنه کرده است. ولی تفاوت دوران ما، یعنی دوران سرمایه‌داری در این است که تضادهای طبقاتی را ساده کرده است: جامعه پیش از پیش به دو اردوگاه بزرگ ستیزه‌گر، به دو طبقه بزرگ رویاروی، یعنی بورژوازی و پرولتاریا تقسیم می‌شود.» (مانیفست حزب کمونیست).

مارکس نقش پیکار طبقاتی را تعیین کننده دانسته و آن را همچون نیروی انگیزش جامعه طبقاتی ارزیابی می‌کند. طبقات و نبرد طبقاتی در تئوری اجتماعی - تاریخی او عاملی هستند که بدون آن همه آن تئوری دگرگون می‌شود. برخی از دانشمندان برآنند که مارکس با همه اهمیتی که به مسأله طبقات می‌داد هیچگاه از طبقه تعریف کاملی بدست ندهاده است. آنتونی گیدنز جامعه‌شناس انگلیسی در این باره می‌نویسد:

«بیشتر آثار مارکس با قشر بندی و از آن بیشتر با طبقه اجتماعی پیوند داشته‌اند. با این همه شگفت است که او تحلیل منطقی از مفهوم طبقه بدست ندهاده است. دست نوشته‌های مارکس... درستی همان جایی که او این پرسش را پیش می‌کشد که چه عواملی یک طبقه را تشکیل می‌دهد تمام می‌شود» (آنتونی گیدنز - جامعه‌شناسی - بخش تئوری کارل مارکس).

با این همه، درک مارکس از طبقه روشن‌تر از آن است که جای تردید بگذارد. مارکس شکل مالکیت بر وسایل تولید را در مناسبات اجتماعی سرشت‌ساز می‌داند و طبقات را نیز بر همین بستر تعریف می‌کند. او طبقات جامعه سرمایه‌داری را بر پایه رابطه‌ای که به لحاظ مالکیتی با سرمایه و ابزار کار دارند از هم باز می‌شناسد. طبقه سرمایه‌دار مالک سرمایه و کارافزار و سلب کننده مالکیت دیگران است. در برابر آن، طبقه کارگر مالک چیزی جز نیروی کار خود نیست. همانگونه که خواهد آمد اغلب دانشمندی که به این مسأله می‌پردازند طبقاتی بودن جامعه را می‌پذیرند، اما در تعریف طبقه یا در توضیح عاملی‌های سازنده طبقه اختلاف برداشت دارند. این موضوع لازم است که در مرکز توجه جای بگیرد، چرا که اگر مبنای تشکیل یک طبقه چیزی سبب رابطه مالکیتی با سرمایه و ابزار کار باشد، آنگاه کیفیت و رابطه دو وجه تضاد و بر آن پایه راه‌حل‌ها یکی از مقوله‌های کلیدی مقوله مالکیت در تئوری مارکس یکی از مقوله‌های کلیدی است که بدون آن بسیاری از راه‌حل‌های مشخصی که این تئوری نشان می‌دهد دگرگون می‌شوند. مثلاً، اگر همانند داوندرف قدرت و اقتدار را در روابط میان طبقات تعیین کننده بدانیم، آنگاه شعار اجتماعی کردن مالکیت اهمیتی را که در تئوری مارکس دارد از دست می‌دهد. حکم نهایی مارکس در باره ضرورت ناگزیر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم نیز با مقوله مالکیت پیوند دارد. مالکیت خصوصی و تمرکز دمازئون سرمایه در چنگل عده‌های سرمایه‌دار از یکسو، و از سوی دیگر گسترش توده سلب مالکیت شده و اجتماعی شدن هرچه بیشتر کار، آن تضادی است که جامعه را به سوی انقلاب سوسیالیستی و سلب مالکیت از سلب کنندگان مالکیت می‌کشد. ادوارد گراب جامعه‌شناس کانادایی می‌نویسد:

«به نظر مارکس ویژگی اجتماعی کار به طور کامل با سرشت اجتماعی انسان، یعنی سرشت اشتراکی انسان، انطباق دارد و این ویژگی دللی است بر رد ادعایی که می‌گوید انسانها موجوداتی منفرد و منفک هستند» (Grab Edvard- Sosial Inequality 1986)

ادامه در صفحه ۱۱

اندیشمندی هم که با سرمایه داری همسود بودند و دهندند ناسیونالیسم را بر دهان داشتند، این نابرابری‌ها را انکار نمی‌کردند، بلکه توجه می‌کردند. اما، شناخت علت‌های اصلی فلاکت توده مردم و ملت‌های ستمدیده، و رهبریایی عملی برای پایان دادن به آن وضع، کار آسانی نبود. سوسیالیست‌های پیش از مارکس کار سترگی را در این باره انجام داده و زمینه را برای برداشتن گام‌های بزرگتری در راستای شناخت و رهجویی برای حل بحران فراهم کرده بودند. کار بزرگ نظری مارکس شناختن و شناساندن قانونمندی‌های چیره بر پویش جامعه جدید، روشن کردن علت‌های تهیدستی و بیچارگی توده رنجبر و ملت‌های آماج هجوم، و نشان دادن راه‌های نوینی برای رهایی مردم از آن تنگنای تیره و تاریک بوده است. دستاورد بزرگ مارکس از پژوهش‌های خود این بود که دریافت فرایند پویش و پیشرفت جامعه سرمایه‌داری در درون خود ضرورت گذار به سوسیالیسم را فراهم می‌کند، و سوسیالیسم، همچون یک ضرورت تاریخی، همچون یک چاشنیز مشخص و مطلوب برای سرمایه‌داری، و همچون بزرگ‌آماجی که برای نخستین بار در تاریخ جبر عینی و آماج انسانی را در خود یگانه می‌سازد، تنها راه‌هایی رنجبران و همه بشریت از بیدادهای جامعه سرمایه‌داری است. از دید او، ضرورت اقتصادی و ستیز طبقاتی، که پویش سراسری تاریخ نیز سمت و سرنوشت آنها را نشان می‌دهد، نیروی انگیزش اصلی در گذار انقلابی سرمایه‌داری به سوسیالیسم است.

ضرورت اقتصادی

مارکس در بزرگ‌ترین و برترین کار خود کاپیتال، با موشکافی شگفت‌انگیزی کارکرد و پویش اقتصاد سرمایه داری را تحلیل می‌کند و قوانین چیره بر آن را باز می‌شناساند. او کاپیتال را با بساطی بساطی، کلاسیک، این پیش‌پاافتاده‌ترین پدیده جامعه سرمایه‌داری آغاز می‌کند، و در راستای گسترش کار نشان می‌دهد که این میوه درخت پر

«نیروهای مولده جبراً تابع تکامل دیالکتیکی هستند و یک کیفیت مسادی را تشکیل می‌دهند که درست همانند روح مطلق در فلسفه هگل است. حقایق اجتماعی، سیاسی و حقوقی عموماً نمودار تجلیات این واقعیت کلی هستند» (کارل مارکس)

برگ و بار سرمایه‌داری، هستی و شادابی خود را از شیوه جان رنجبران دارد. مارکس کالا را چون پدیده‌ای ارزشمند یا دارای ارزش بررسی می‌کند و سرچشمه این ارزش را در کار نشان می‌دهد. او می‌نویسد:

«کالا به گونه ارزش تنها مقدار معینی از زمان کار منجمد شده است.» (پیرامون نقد اقتصاد سیاسی).

او در چرخش کالا افزایش ارزش و ارزش افزوده را نشان می‌دهد، روشن می‌کند که ارزش افزوده نه از سرمایه ایستا (که صرف خرید ماشین‌ها، کارافزار، تأسیسات، سوخت، مواد خام و غیره می‌شود) بلکه از سرمایه متغیر - بخش اختصاص یافته به خرید نیروی کار - بدست می‌آید، روشن می‌کند که این ارزش افزوده از کار اضافی، یا کار مزد دریافت نکرده بدست می‌آید، روشن می‌کند سود سرمایه‌دار، که از ارزش افزوده بست می‌آید، با کار اضافی کارگر نسبت مستقیم دارد، هر اندازه سرمایه‌دار از کارگر - به صورت مستقیم یا غیر مستقیم - کار اضافی بیشتری بکشد سود بیشتری بدست می‌آورد. از این رو، سود سرمایه‌دار در استثمار کارگر، در استثمار هرچه بیشتر شمار هرچه بیشتری از کارگران است. این سود از سه راه افزایش می‌یابد: از راه افزایش ساعت کار و کم کردن روزهای استراحت (ارزش افزوده مطلق)، از راه کوتاه کردن مدت کار لازم برای تولید کالای معین - بالا بردن بازده کار به کمک ماشین و افزار و سیستم - (ارزش افزوده نسبی)، و از راه افزودن بر حجم کار اضافی، یعنی گسترش سرمایه متغیر و استفاده شمار بیشتری کارگر (گسترش سرمایه‌گذاری). بدین‌گونه، اگر چه نسبت سود به کل سرمایه نمودار درصد کلی آن است، اما شدت و درجه بهره‌کشی سرمایه‌دار از کارگر با نسبت ارزش اضافی به سرمایه متغیر نشان داده می‌شود. در بررسی نظریات معاصر خواهیم دید که سرمایه‌داری، به عکس آنچه در آغاز به نظر می‌رسید، تلاش خود را بیشتر متوجه گسترش کمی و کیفی «سرمایه ثابت» و رها کردن هرچه بیشتر خویش از چنگ پرولتاریا نموده، و ماشین، این اهرم معصوم ارشمیدس، چنان طول و تکیه گاهی پیدا کرده که آن حکیم نحیف اگر زنده بود به کمک آن ادعای خود را عملی می‌کرد.

از دید مارکس، سرمایه‌داران برای بدست آوردن سود بیشتر با یکدیگر در رقابت مداوم قرار می‌گیرند و مدام سرمایه‌های بزرگتر را نیرومندتر سرمایه‌های خرد تر را می‌خورند. این روند که به گستره جهانی نیز کشیده می‌شود و سرمایه‌داران ملت‌های گوناگون را زیر پرچم ناسیونالیسم به جان هم می‌اندازد سبب انباشت مداوم و متمرکز شدن هرچه بیشتر سرمایه و وسایل کار در دست یک عده کمتر، و زرف شدن هرچه بیشتر شکاف طبقاتی بین سرمایه‌داران و پرولتاریا می‌شود. بدین‌گونه، اقتصاد سرمایه‌داری، به دلیل

فلسفه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی به ضرورت سوسیالیسم نرسید، بلکه در مسیر تکمیل اندیشه سوسیالیستی خود، و در راستای کوشش‌های مشخص فلسفی خویش به این نظریات دست یافت. نبرد اصلی نظری مارکس با کاپیتالیسم در کاپیتال انجام می‌گیرد، و کاپیتال - که شاید کم خوانده شده‌ترین اثر کلاسیک مارکسیستی باشد - یک اثر سترگ علمی و یک تحلیل مشخص است و نه فلسفه بافی کلی.

اگر چه مارکس در برخی از آثار سیاسی خود، به ویژه در نوشته‌های نخستین خویش، ماتریالیسم دیالکتیک و جهانی از ماتریالیسم تاریخی را تبیین می‌کند، اما این کار اساساً توسط انگلس به انجام رسید. اگر فروتنی انگلس نبود، انگلیسیسم همچون لنینیسم می‌توانست بیانگر یک کوشش فلسفی - سیاسی با خصلت‌های ویژه خود باشد. اما راست این است که انگلس نیز در آثاری که بیشتر به این امر مربوط می‌شوند - مثلاً آنتی‌دورینگ و لودویک فوریباخ - اصول ماتریالیسم دیالکتیک و تاریخی را آنگونه سیستماتیک و ساده که لنین و اندیشه پردازان جنبش کمونیستی از او برداشت کرده‌اند طرح نمی‌کند. لنین که در دو نوشته کوتاه بنام «کارل مارکس» و «سه منبع و سه جزء مارکسیسم» (جلد اول مجموعه آثار) برای نخستین بار ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی را از دید خود جمع‌بندی می‌کند، اساساً بر نوشته‌های انگلس (به ویژه «آنتی‌دورینگ» و «لودویک فوریباخ») متکی است. شاید به دلیل احساس همین کاستی در رجوع به مارکس است که او چند جا به همکاری مارکس با انگلس در تدوین آن کتاب‌ها اشاره می‌کند و یا می‌گوید که انگلس نظر مشترک خود و مارکس را نوشته است. جالب این است که لنین زیر عنوان «آموزش مارکس» به جمع‌بندی نظرات انگلس و خود دست می‌زند. لنین انقلابی پرشوری بود که روح آتشین مانیفست او را حلول کرده بود. با کمی جسارت می‌توان گفت «مانیفست» در سرشت خود یک اثر لنینیستی است. لنین در تاریخ جنبش سوسیالیستی جایگاه بس بلندی دارد، از همین رو کژرویی‌های او نیز دامنه گسترده‌ای یافته‌اند. می‌توان گفت در میان خطاهای وی به ویژه ساده کردن مارکسیسم، تفسیر دیکتاتوری پرولتاریا به گونه یک دیکتاتوری معمولی سیاسی، و ستیز سرکوبگرانه با سوسیال دموکراسی و رفرمیسم تأثیر ویرانگری برجای گذاشتند. «لنینیسم» که به کمک استالین شکل گرفت و مبین برداشت استالین از لنین است، گامی به پس در سمت دور شدن از اندیشه علمی و دموکراتیک و در غلتیدن به مفک خشک اندیشه‌ای است. «مارکسیسم - لنینیسم» همچون یک فلسفه ساده و عامیانه، در همه موارد راهبر «جنبش جهانی کمونیستی» و مارکسیسم بنیادگرا شد. ماتریالیسم تاریخی - که ساده کردن آن در زمان خود انگلس هم به یک خطر تبدیل شده بود - در ساده‌ترین شکل آن، و در آمیخته با انبوهی از کلی‌بافی‌های نظری، در چارچوب لنینیسم بر اندیشه بخش بزرگ جنبش سوسیالیستی چیره شد. دیدگاه تسخیر شده با این کیش امروز هم هنگامی که بحث بر سر ضرورت‌ها و ضد ضرورت‌های سوسیالیسم باشد همه چیز را به آسانی از یک رشته اصول جامد فلسفی و تاریخی نتیجه می‌گیرد. این دیدگاه، که همواره با باور به یک سیر یک خطی و مقدر تاریخی به میدان می‌آید، سوسیالیسم را در سایه همین باور همچون یک نظام مشخص مقدر که جبراً چاشنیز سرمایه‌داری می‌شود معرفی می‌کند و راه را بر اندیشیدن در باره آنچه که اصول می‌نماید می‌بندد. مارکس نیز در برخی از نوشته‌های خود، از آن جمله در «مانیفست»، «دیباچه‌ای بر نقد اقتصاد سیاسی» و «نقد برنامه گت» بر نظریات و چارچوب‌های کلی تدقیق نشده‌ای تکیه کرده و پیشگویی‌هایی می‌کند که به آسانی می‌توانند دستاویز آیین پرستان شوند. اما مارکس در مهم‌ترین کارهای علمی خود، و در کلیت کوشش‌های خویش، از خشک‌اندیشی و آیین‌سازی به دور است، و از این فراتر، در عصر خود برجسته‌ترین نماینده نگرش و روش پویا بوده است. او، که در زمان خود پیشروترین بود، امروز نیز در پیشروترین بحث‌های علوم اجتماعی حضور دارد، و در موارد بسیاری پیشرفت در گرو پاسخ به او و یافتن چاشنیز برای احکام اوست. از این رو، بازبینی نظریات وی به هنگام بررسی مسایل کنونی سوسیالیسم، الزامی و گویز ناپذیر است.

ضرورت‌های سوسیالیسم از دیدگاه مارکس

گفتیم که ضرورت مبین قانونمندی سرشتی ناظر بر بروز الزامی پدیده یا رویداد در چارچوب یک شرایط مشخص است. ضرورت به ما می‌گوید که پدیده یا رویداد معینی، در نتیجه عملکرد قوانین علی درونی یک پدیده، به شرط فراهم شدن شرایطی مشخص، و به شرط تلاقی نکردن با ضرورتی نفی کننده (وقوع حادثه)، الزاماً بروز می‌کند. اکنون ببینیم ضرورت‌هایی که از دید مارکس بر گذار جامعه از سرمایه داری به سوسیالیسم فرمان می‌راند کدامند. مارکس در جایگاه بلند می‌اندیشمند انسان دوست، پیش از هر چیز از درک درد آدمیان در جامعه سرمایه‌داری به ضرورت سوسیالیسم پی برد. او بیننده ستم‌های بی‌کرانی بود که سرمایه‌داری همروگذار وی بر توده کارگران و رنجبران و بر ملت‌های مغلوب و زیر سلطه روا می‌داشت. دیدن این ستم‌ها در گرو تجهیز بیننده به یک دستگاه معین فلسفی نبود. نه دیدن این تبهکاری‌ها، بلکه ندیدن آنها ناعادی بود.

سوسیالیسم: زمینه‌ها و ضرورت‌ها

برای اندیشه‌ای که شکست کشورهای سوسیالیستی را پایان سوسیالیسم می‌انگارد، و برای اندیشه‌ای که از سر نو می‌داند به این نتیجه می‌رسد، سخن گفتن از ضرورت‌های سوسیالیسم در شرایط امروز می‌تواند بس پیچیده به نظر آید. اما، عظمت شکست «کشورهای سوسیالیستی»، و «عظمت» پیروزی سرمایه‌داری، نمی‌تواند عظمت نابرابری و ناهماهنگی در جامعه و جهان امروز را پنهان کنند. اگر کامیابی جامعه پیشرفته امروزی به کامیابی انسان و زیست می‌انجامد، اگر این جامعه به رابطه‌های ستمگرانه طبقاتی، ملی، جنسی و نژادی پایان می‌دهد، و رابطه جامعه با طبیعت را هماهنگ می‌کند، آنگاه بیگمان گفتمانی از این دست می‌توانست بی‌پایه شود. اما امروز، نه تنها دانش و دیدگاه سوسیالیستی بلکه مجموع دانش اجتماعی، آنجا که به وجدان علمی و انسانی پای بند می‌ماند، در برابر بیدادهای جامعه و جهان همروگذار اعلام خطر می‌کند. وجود تضادهای خشن اجتماعی و جهانی، و کارکرد ویرانگر اقتصاد و سیاست سرمایه‌داری در رابطه با زیست و زیستبوم، انسان را به جستجوی راه برون رفت از این بحران‌ها برمی‌انگیزد. سوسیالیسم در مفهوم گسترده خود می‌تواند دانش شناخت همین ناهماهنگی‌های اجتماعی و جهانی و جستجوی راه‌حلی انسانی برای آنها باشد. همانگونه که هربرت مارکوزه زمانی نوشت، سوسیالیسم برای بسیاری از خوانندگان آن چیزی جز اندیشه داد و یک نظام ارزشی انسانی نیست. از این دیدگاه، سوسیالیسم نه تنها نمی‌تواند پیچیده پنداشته شود بلکه بود آن برای بهبود زندگی و رهایی آن از بیهودگی های کیش پرستش سود و سوداگری یک نیاز زیستی است. ممکن است گفته شود که: سوسیالیسم نه یک پاسخ کلی و روان، که یک پاسخ مشخص به پرسش‌های جامعه است! آری، اگر سوسیالیسم در چارچوب شناخته‌های مارکس متجمد شود همین است، و در چنین نمودی، نهاد خود را از دست می‌دهد و ناچار می‌شود جای را به جهانی‌بینی دیگری بسپارد. اما پاسخ دیگری هم هست، یا می‌تواند باشد. می‌گویند: به یک انگلیسی گفتند آثار شکسپیر را شکسپیر نوشته است. او پاسخ داد: ما به همان کسی که این آثار را نوشته است شکسپیر می‌گوییم. ما هم می‌توانیم به گونه‌ای همانند با سوسیالیسم برخورد کنیم. سوسیالیسم می‌تواند دانش پویای شناخت جامعه و جهان و سیاست پیگیر حل تضادها در جامعه و در رابطه با طبیعت، در راستای عدالت اجتماعی و تعادل طبیعی باشد. حال هر نامی که بر آن بگذاریم و هر تغییری که در شناخت‌ها و راه‌حل‌های آن بروز کند. روشن است که پیرو چنین دیدی خواهد کوشید از دستاوردهای اندیشه و عمل جنبش تاریخی سوسیالیستی، تا آنجا که راستی و درستی آنها پابرجاست، دفاع کند. اما چنین نگرشی خود را در برابر مردم، در برابر راه و هدف متعهد می‌بیند، نه در برابر شخصیت‌ها و آیین‌ها. برای چنین نگرشی، نه مارکس مقدس است نه مارکسیسم؛ اما، هم مارکس گرامی است و هم مارکسیسم، چرا که بخشی از این راه و از این هدف هستند، و در تاریخ پیکار رهایی بخش بشر از بزرگ‌ترین بزرگانند.

روش‌های دوگانه

جستجوی زمینه‌ها و پاسخ‌های سوسیالیسم با دو دیدگاه سوسیالیسم پویا و سوسیالیسم ایستا، به تفاوت‌های پایهای می‌انجامد. این‌مداران پس از این همه آزمون تلخ در

«بورژوازی نمی‌تواند به زندگی خود ادامه دهد مگر این که وسایل تولید و در نتیجه مناسبات اجتماعی را پی در پی دگرگون کند، در حالی که برعکس، نخستین شرط هستی تمام طبقات صنعتی پیشین بدون تغییر نگهداشتن شیوه تولید کهنه بود» (کارل مارکس)

«کشورهای سوسیالیستی» هنوز هم گمان می‌کنند سوسیالیسم و کیش مارکسیسم - لنینیسم پدیده‌های یگانه و جدایی ناپذیری هستند. آنها هنوز هم در پی آن هستند تا همه سود سرمایه‌داری را به گونه ساده به کار اضافی کارگر نسبت بدهند، و با همه پیشرفتهای سرمایه‌داری، آن را در آستانه مرگ توصیف کنند. اما راه‌جویی به شیوه پویا و آزاد از کیش و آیین (که مارکس خود یکی از برجسته‌ترین نمایندگان آن بوده است) ما را به کاربست پیگیرانه دانش تکامل یافته و متکی شدن به روندهای واقعی و زنده فرا می‌خواند. مارکس خود می‌کوشید تا روند زنده واقعیت‌ها را باز شناسد و در مسیر و بر پایه همین روند واقعی و زنده راهی برای حل تضادهای جامعه پیدا کند و عدالت را با تاریخ و تاریخ را با عدالت هماهنگ سازد. برخی از مهم‌ترین یافته‌های نظری او با جامعه معاصر همخوانی ندارند، اما روش وی در بررسی و رهجویی، روشی امروزی است. مارکس هنگامی در سنگر عدالت اجتماعی به دفاع از مردم رنجبر برخاست که هنوز ایده‌آلیست بود. او از چشم‌انداز

مواضع و واکنش هادربرابر انتخابات ریاست جمهوری

حزب دمکرات کردستان ایران

حزب دمکرات کردستان ایران طی بیانیه‌ای از مردم ایران و به خصوص مردم کردستان خواست که انتخابات را تحریم کنند. در این بیانیه آمده است: «حزب دمکرات کردستان ایران این رژیم را در تمامیت خود رژیم ضد آزادی و دموکراسی می‌شناسد. به همین جهت نمایش انتخابات ریاست جمهوری را تقلایی برای فریب دادن مردم می‌داند و آن را تحریم می‌نماید. در این رابطه از همه مردم ایران و به خصوص توده‌های مبارز مردم کردستان می‌خواهد که با خودداری از رفتن بر سر صندوق‌های رای‌گیری و با شرکت نکردن در اجرای این نمایش مسخره، پیش از هر زمان دیگری رژیم جمهوری اسلامی را به انزوا بکشانند.

اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران

اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران (جنبش برای آزادی ایران - حزب دمکرات ملت ایران (نیروی سوم)، حزب ملت ایران) طی اطلاعیه‌ای تحت عنوان وظیفه ملی از همه نیروهای سیاسی و اجتماعی و همه گروه‌های صنفی و اجتماعی خواست از شرکت در انتخابات خودداری کنند. در این اطلاعیه آمده است: «تفرقه اندازی‌ها و صف‌شکنی‌هایی که به دستاویز استفاده از نفاق‌های درونی در جمهوری اسلامی یا افشای تخلف‌ها و تقلب‌های گردانندگان انتخابات نمایشی که در شرف انجام است جز آب به آسیاب دشمن ریختن معنای دیگری ندارد و ایجاد یک جبهه فراگیر را به تأخیر می‌نهد.

اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران با احترام به باور همگانی، هر گونه سهم‌گیری را در این نمایش انتخاباتی که می‌رود تا نخستین برده آن به صحنه آورده شود، گسستن از صف مردم و آراستن بساط یک تازی تلتقی می‌کند و امیدوار است داعیه‌داران آزادیخواهی از ارتکاب چنین خطای جبران‌ناپذیری پرهیز کنند.

اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران در همین فرصت‌ها از همه زنان و مردان، از همه گروه‌های اجتماعی، کارگران، پیشه‌وران، بازرگانان، کارمندان، فرهنگیان، پزشکان، مهندسان، وکیلان دادگستری، قضایان، دانشجویان، دانشجوهایان، دانش‌آموزان می‌خواهد تهدیدها و تطمیع‌ها را نادیده انگارند و از چنین انتخاباتی قلابی که حتی از آزادی‌های تصریح شده در قانون اساسی هم برخوردار نیست کناره‌جویی کنند و یکبار دیگر به جمهوری اسلامی «نه» بگویند.

بیانیه دفتر دکتر پیمان

دفتر دکتر حبیب‌الله پیمان در اعتراض به رد صلاحیت ۲۳۴ تن از ۲۳۸ نفر کاندید ریاست جمهوری از جمله دکتر حبیب‌الله پیمان بیانیه‌ای صادر نمود. در این بیانیه آمده است: «متأسفانه از همان آغاز فعالیت‌های انتخاباتی، جناح انحصار طلب حاکمیت که می‌دید نامزد انتخاباتی این دفتر در کنار سایر نامزدهای مستقل به سرعت جایگاه طبیعی و پایگاه مردمی خود را باز می‌یابد. دست بکار طراحی سرکوب و خشونت‌گرایانه گردید. اجازه سخنرانی به دکتر حبیب‌الله پیمان نامزد مورد نظر این دفتر، در کرج، تبریز و شیراز داده نشد و با همراهی نیروهای فشار سازمان یافته و اداره اطلاعات خرم‌آباد، ایشان را که در میان استقبال گرم مردم برای طرح برنامه‌ها و دیدگاه‌های خود به آن سامان عزیمت کرده بود، ربودند و تهدید به قتل کردند و همراهان وی را

مورد ضرب و شتم قرار دادند. این گروه با اقداماتی مشابه، تضيیقات متعددی در برابر فعالیتهای انتخاباتی آقای مهندس عزب‌الله سبحانی ایجاد نمود. اما از آنجا که ما آموخته‌ایم انحصارگرایی، طالب خشونت و بحران است، برای ممانعت از پنهان‌جویی‌های معمول بر تحمل خرد افزودیم و به انتظار ادامه روند انتخابات نشستیم... هر چند که اکنون نامزد انتخاباتی این دفتر از دور فعالیتهای انتخاباتی حذف گردیده است، ولی مبارزه برای کسب حقوق مشروع و قانونی هرگز خاتمه نمی‌پذیرد. جناح انحصار طلب حاکمیت که در حال حاضر نامزدهای مستقل ریاست جمهوری را پیش روی خود تدارند، گامی به هدف تسلط کامل بر قوه اجرایی کشور نزدیک شده است. پیروزی نامزد جناح انحصار طلب و وابسته به سرمایه‌داری دلال در انتخابات ریاست جمهوری به منزله قبضه کامل قدرت حکومت می‌باشد.

مجامع اسلامی ایرانیان

مجامع اسلامی ایرانیان که مقر آن در پاریس است طی اطلاعیه‌ای خواستار تحریم انتخابات کردید. ملت شریف ایران «رای دادن تنها زمانی معنی دارد که برای ابراز حاکمیت باشد. شرکت آحاد مردم در تعیین سرنوشت خویش و انتخاب آزادانه نمایندگان یا رئیس جمهوری موقعی معنی و مفهوم دارد که آزادی که حق فطری و طبیعی هر انسانی است بر جامعه و نظام حاکم بر آن حکمفرما باشد. اما آگاه باشید که در نظام ولایت مطلقه فقیه رای دادن شما تنها بیعت با استبداد غیر مشروع است...»

سازمان

سوسیالیست‌های ایران

در اطلاعیه سازمان سوسیالیست‌های ایران آمده است: «سازمان سوسیالیست‌های ایران شدیداً به تصمیم شورای نگهبان معترض بوده و عملکرد غیر قانونی او را محکوم می‌کند. شورای نگهبان با این تصمیم غیرقانونی خود، نه تنها حقوق قانونی ۲۳۴ تن از کاندیدهای انتخاباتی را پایمال کرده است و از شرکت این عده از شهروندان ایرانی ... جلوگیری کرده است. بلکه حق حاکمیت ملت ایران را نیز خدشه‌دار نموده است. زیرا انتخابات یک مرحله‌ای، مستقیم و بلاواسطه از طرف مردم مصرح در قانون اساسی، به انتخابات دو مرحله‌ای تبدیل شده است، یعنی مردم ایران فقط حق انتخاب کاندیداهای مورد تأیید شورای نگهبان را دارند و نه حق انتخاب افراد مورد اعتماد و مقبول خود را.

راه توده

نشریه راه توده در شماره فوق‌العاده‌ای تحت عنوان «در انتخابات ریاست جمهوری توده‌ای‌ها به آگاهی، خواست و انتخاب مردم رای می‌دهند»

خواستار برخورد فعال با انتخابات و دادن رای به محمد خاتمی گردید. در این اطلاعیه ضمن برشماری نیروهای اجتماعی که در رابطه با انتخابات در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند در رابطه با گروه دوم که در برابر ناطق نوری، حجتیه، موتلفه اسلامی و نیروهای غالب رژیم قرار گرفته‌اند آمده است: این نگرش به سه گروه‌بندی تقسیم‌گسردیده ۱- طرفداران مذهبی آرمان‌های بریاد رفته انقلاب بهمین، ۲- کارگزاران دولت هاشمی رفسنجانی و بالاخره نیروی اساسی و توده‌ای مردم که طرفدار آزادی و مقابله قاطع با ارتجاع مذهبی است. در ادامه مقاله آمده است که در خارج کشور طیف راست و سلطنت طلب طبیعتاً به سرنوشت آینده ایران نمی‌اندیشد ولی طیف چپ نیز اسیر تبلیغات است.

اعتراض به نفی

حقوق بشر در ایران

در پارلمان نروژ

روزهای چهاردهم، پانزدهم و شانزدهم آوریل سمیناری به دعوت کمیته حقوق بشر نروژ با شرکت عده‌ای از نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی و برخی از شخصیت‌های فرهنگی و اجتماعی ایرانی و نروژی در یکی از سالن‌های پارلمان نروژ برگزار گردید. شرکت کنندگان در این سمینار نظرات و پیشنهادات خود را در رابطه با وضع حقوق بشر در ایران ارائه دادند.

همچنین روز نوزدهم آوریل به دعوت فرهنگسرای ایران و نروژ تظاهرات ایستاده‌ای علیه رژیم جمهوری اسلامی در برابر ساختمان وزارت امور خارجه نروژ برگزار گردید.

پاسخ سه نفر از

اعضای پارلمان بلژیک

در پی دستگیری فرج و اسماعیل سرکوهی و پروین اردلان، فدائیان خلق ایران (اکثریت) بلژیک با ارسال متن نامه فرج سرکوهی به زبان فرانسه به نشریات معتبر و مقامات رسمی این کشور در جهت انعکاس وسیع تر خبر و اعمال فشار به رژیم کوشیدند. سه تن از اعضا پارلمان و دولت بلژیک طی نامه‌ای به نامه اعضا سازمان در این کشور چنین پاسخ دادند.

«نامه شما در خصوص دستگیری آقای فرج و اسماعیل سرکوهی و خانم اردلان به دستمان رسید و به بهترین وجهی مورد توجه ما قرار گرفت». در این نامه آنها به اقدامات پارلمان بلژیک در جهت فرستادن نامه به مقامات ایران و توضیح خواستن از آنها اشاره کرده و در خاتمه نوشته‌اند: «با امید اینکه حرکت ما هرچه سریعتر به بار بنشیند، بهترین درودهای ما را بپذیرید». نیکل مارشال نماینده مجلس، ژوزف داراس وزیر و سناتور، تری دو توبین نماینده مجلس.

اطلاعیه برگزاری اولین کنفرانس مشورتی

نهادهای سیاسی - فرهنگی ایرانیان

۱۵ نهاد و جمعیت دمکراتیک سیاسی - فرهنگی ایرانیان در اروپا، در پی یک رشته تبادل نظرها و مشورت‌های قبلی پیرامون ضرورت گسترش ارتباط و هماهنگی فعالیتها حول عام‌ترین اهداف مشترک، اولین کنفرانس مشورتی سراسری خود را در اروپا از تاریخ ۹ تا ۱۱ ماه مه ۱۹۹۷ در شهر هامبورگ آلمان برگزار کردند.

در این کنفرانس ضمن تشریح اهداف و دیدگاهها و فعالیت‌های تاکنونی هر یک از نهادهای شرکت کننده و بحث پیرامون زمینه‌ها و لزوم کار مشترک یک شورای هماهنگی جهت انجام وظایف زیر انتخاب شد:

۱- هماهنگ کردن فعالیت سراسری این نهادها تا کنفرانس دوم پیرامون اهداف عام دفاع از آزادی، دمکراسی و حقوق بشر در ایران با تأکید ویژه بر دفاع از مبارزه زنان ایران برای دستیابی به حقوق اجتماعی و برابر حقوقی آنان.

۲- برقراری روابط عمومی فعال و موثر با سایر تشکلهای ایرانی و همچنین مجامع بین‌المللی برای معرفی هرچه وسیعتر این نهادهای دمکراتیک و فعالیت مشترک آنها.

۳- انتشار یک بولتن بحث جهت تدارک کنفرانس وسیع دوم که در برگیرنده دیدگاهها و نظرات نهادها و کانونهای مختلف حول فعالیت‌های مشترک می‌باشد. این بولتن همچنین می‌تواند در برگیرنده اخبار فعالیت‌های این کانونها و نهادها باشد.

۴- برقراری رابطه با سایر نهادهای دمکراتیک که نتوانستند در کنفرانس اول شرکت کنند ولی مایل به همکاری مشترک می‌باشند.

۵- تدارک همه‌جانبه کنفرانس وسیع دوم این نهادها.

تاکید کنفرانس بر این بود که تصمیمات کنفرانس و وظایف شورای منتخب صرفاً جنبه ارتباط و هماهنگی بین نهادها برای انجام هرچه بهتر و نیرومندتر فعالیت‌های سراسری مشترک است و هر یک از نهادها در پیش‌برد اهداف و برنامه کار ویژه خود که در منشورها و اساسنامه‌های آنها مندرج است، استقلال کامل دارند.

کنفرانس همچنین طی ارسال نامه‌هایی به دبیرکل سازمان ملل متحد و ریاست اتحادیه اروپا خواستار انجام اقدامات موثر بین‌المللی برای آزادی فرج سرکوهی و پروین اردلان همکار نشریه آدینه و تامین امکان خروج آنها از ایران، و نیز تامین امنیت جانی و شغلی نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران در ایران گردید.

نهادهای شرکت کننده در این کنفرانس عبارتند از:

- کانون دفاع از دمکراسی در ایران، مالمو - سوئد
- تلاشگران جامعه باز - آلمان
- جامعه ایرانیان آزادیخواه - برلین، آلمان
- جمعیت دفاع از جبهه جمهوری و دمکراسی - بلژیک
- جامعه ایرانیان دمکرات، کلن - آلمان
- کانون سیاسی فرهنگی ایرانیان، هامبورگ - آلمان
- مرکز فرهنگی ره‌آورد، آخن - آلمان
- کانون دفاع از جنبش دمکراسی در ایران، برمن - آلمان
- کمیته دفاع از حقوق بشر ایران، بوخوم - آلمان
- کانون سیاسی فرهنگی، تسویکاو - آلمان
- کانون ضد دیکتاتوری، آخن - آلمان
- انجمن مطالعات فرهنگی و اجتماعی ایرانیان - آلمان
- کانون فرهنگی اجتماعی ایرانیان، ادنسه، دانمارک
- اتحادیه سراسری ایرانیان مقیم سوئد نیز با حضور در کنفرانس تجربه خود را در ارتباط با تشکیل این اتحادیه در اختیار نهادهای شرکت‌کننده قرار داد.

فمینیسم و

جنبش زنان ایران

بنیاد پژوهش‌های زنان ایران اعلام کرد که در تاریخ ۱۹، ۱۸ و ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۷ هشتمین کنفرانس بین‌المللی خود را در شهر Cretell حومه پاریس با عنوان «فمینیسم و جنبش زنان ایران» برگزار می‌کند. در این کنفرانس علاوه بر سخنرانی‌ها، برنامه‌های شعرخوانی و موسیقی دو نمایشنامه و میزگرد با شرکت زنانی که به اتهام عقاید سیاسی در زندان بوده‌اند برگزار خواهد گردید.

محل کنفرانس: Salle George Duhamel 7, Avenue George Duhamel 97000 Cretell Metro: Cretell Pretecture

ترورهای تازه

در کردستان

نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در خارج از کشور طی اطلاعیه اعلام نمود.

- روز پنجم ماه مه یکی از اعضا حزب به نام لطیف نقش‌بندی در اربیل هدف تراندازی تروریست‌های رژیم قرار گرفته و به شهادت رسیده است.

- روز ۲۳ آوریل یکی از هواداران حزب به نام ایاز محمودی در شهر سلمانیه از طرف سه مرد ناشناس و مسلح ربوده شد. و تا به حال از سرنوشت وی خبری در دست نیست.

- روز ۲۶ آوریل یکی از هواداران حزب به نام خدر خانه‌ای در شهر قسعه‌دزه کردستان عراق هدف تراندازی عوامل رژیم قرار گرفت و شدت زخمی شد.

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام: Name:.....

نشانی: Address:.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (چک، حواله بانکی یا تمبر) به آدرس پست کنید!

بهای اشتراک

اروپا: شش ماهه - ۴۵ مارک یک ساله - ۹۰ مارک سایر کشورها: شش ماهه - ۵۲ مارک یک ساله - ۱۰۴ مارک

GER.....3 DM

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، هر دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود.

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب:	I.G.e.v	آدرس:	I.G.e.v
شماره حساب:	22 44 20 32	Postfach 260268	
کد بانک:	37 05 01 98	50515 Köln	
نام بانک:	Stadtsparkasse Köln	Germany	

شماره فاکس: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

۹ ماه مه؛ روز پیروزی بر فاشیسم

در این سالروز پیروزی بر فاشیسم شایسته است به روی دیگر سکه بپردازیم. روی دیگر سکه آن است که چه پیش از ۵۲ سال پیش؛ آن گاه که جهان پهنه تاخت و تاز بی چون و چرای فاشیسم بود، چه ۵۲ سال پیش؛ در دم بی‌دنگ پس از به زیر کشیدن پرچم فاشیسم به دست سپاه پیروزمندی سرخ و چه امروزه؛ ۵۲ سال پس از شکست جانانه فاشیسم، جهان سرمایه‌داری از کوشش برای سودجویی از فاشیسم برای سرکوب و نابودی اندیشه‌های چپ و در این راستا از دگرگون جلوه دادن گذشته، امروز و آینده فرو نمی‌گذارد.

بررسی همه‌جانبه این گفته کوتاه در کوتاه این نوشته نمی‌گنجد. از این رو و ناگزیر باید به نگاهی کوتاه و گلچینی از برجسته‌ترین دانسته‌ها بسنده کرد و امیدوار بود که این گزینش بتواند دست‌کم گوشه‌ای به نشان دادن این راستی زده بزند.

هیتلر پیش از آن که به سپاهش فرمان دهد تا به جنگ پای در خاک لهستان گذارد، شوروی به رهبری استالین را به آن‌جا کشاند که در آغاز از رویارویی با جنگ برتری‌جویانه آلمان فاشیستی در برابر اروپا پای کنار کشد. می‌توان پیرامون چگونگی و چرایی این کنش شوروی بسیار به گفتگو نشست، باری بدین‌ترین دیدبان روراست تنها می‌تواند گناه شوروی به رهبری استالین را در آن بداند که آگاه یا کم‌آگاه، خواسته یا ناخواسته راه را بر اندیشه‌های شوروی خواهانه و برتری‌جویانه آلمان فاشیستی باز گذاشته است. تنها کینه و دشمنی ریشه‌ای و بنیادین و آن هم نه تنها با استالین می‌تواند به آن بیانجامد که آدمی هیتلر، آدم‌کش میلیون‌ها اروپایی را با استالین بسنجد که سپاهش به گفته

۹ ماه مه روز پیروزی بر فاشیسم است. ۱۹ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۴ پس از نبردی چند ساله، فرمان‌روایی فاشیسم؛ جلوه یک‌پارچه نژادپرستی، آدم‌ستیزی، زورمداری، سرمایه‌داری و مردم‌فریبی سرکوب و نابود شد. میلیون‌ها مردم در سراسر گیتی اشک‌های اندوه خود در از دست دادن نزدیکان بی‌شمار، ویرانی زادگاه گرامی خویش و ستم بی‌کرانی را که بر آنان روا شده بود از دیده‌ها ستردند و جای آن را به اشک‌های شور و شادی از مرگ و بیداد هیتلری سپردند. به ویژه مردم اروپا که از سال‌های آغازین دهه ۳۰ میلادی در هراس از نیرو گرفتن فاشیسم و از سال ۱۹۳۹ در زیر زنجیر این تبهکاری، آرامش بر بالین گذارند. برای مردمان رنج‌کشیده خاور دور نیز که در زیر خودکامگی فاشیسم زاپهن هستی برهنه خود را هم به هزار ترفند رهانیده بودند، پیروزی بر فاشیسم در اروپا دل‌گرم کننده بود.

۵۲ سال از آن روز می‌گذرد. ۵۲ سال در سنجش با گذشته چندین هزار ساله آدمی به دمی کوتاه می‌ماند و چنین می‌نماید که دمی تازه گذشته را نمی‌توان به سادگی از یاد برد. افسوس که چنین نیست و این دم بسیار به فراموشی سپرده می‌شود. یک روی سکه فراموشی آن است که گناه همچون سال‌های اخیر در پاره‌های از کشورهای اروپایی جنبش‌های فاشیستی نو اوج می‌گیرد و به آن می‌انجامد که پیروان این اندیشه تا مجلس‌های این کشورها راه می‌یابند و نراتر از آن در آب و هوای سیاسی کشورهای خود بسیار کارسازند. به این روی سکه تاکنون بیشتر پرداخته‌ایم.

راه‌بندر نرماندی فرانسه برای کشیدن بخشی از سپاهیان آلمان پدین سو و کاستن از دشواری سپاهیان شوروی شدند. باری آنان دست به گشادن این جبهه نزدند تا هنگامی که شوروی‌ها در مسکو، لنین‌گراد و استالین‌گراد زنجیر پیروزی‌های سپایی آلمان‌ها را پاره کردند و با گام‌هایی پرشتاب بسیاری از پهنه کشورهایشان را باز پس ستانندند و راه آزادی اروپا از بدخیم فاشیسم را در پیش گرفتند، جبهه دوم گشوده شد.

پس از فروپاشی آلمان هیتلری، نمایندگان کشورهای سرمایه‌داری باختر هر چه می‌توانستند کردند تا بسیاری از سیاست‌مداران فاشیستی را که در کشتارهای بزرگ و کوچک جنگ جهانی نیز دست داشتند و هم سرمایه‌دارانی را که نیز کوره‌های آدم‌سوزی را در کارخانه‌هایشان می‌ساختند، از مرگ و زندان‌های درازمدت برهانند. آنان دوست و دشمن خود را بازگزیده بودند؛ شوروی، «یار» دیروزی، دشمن امروز و فردا شد و سرمایه‌داران و آدم‌کشان آلمانی، کشتارکنندگان کرور کرور مردم بی‌گناه اروپا، یار امروز و همیشه.

به ویژه پس از فروپاشی اتحاد شوروی، مرگ «دشمن بنیادین»، در گریوداری که در سرزمین شوروی آن‌روزین هیچ‌کس دل و اندیشه پاس‌داری از پای‌مردی شوروی در راهی اروپا از جلیقه و این دستاورد سترگ آن را ندارد، سرمایه‌داران در پی جلوه آن پیروزی بزرگ به نام پیروزی خود هستند. از اوج‌های این گونه برخورد آن بود که آنان در پنجاهمین سالروز چیرگی بر فاشیسم، نه ۹ ماه مه، روز قرارداد پذیرش شکست آلمان با شوروی، که ۸ ماه مه را روز بزرگ پیروزی نامیدند. و افسوس که بسیاری (از روی ناآگاهی؟!) این را بی‌رفتند.

پاس‌داری از راستی چگونگی روند و پی‌آمد جنگ دوم جهانی تنها برگردن «کمونیست‌های» شوروی پیشین نیست. این کار بزرگ همه آثانی است که به راستی و داد پای‌بندند.

ابعاد فقر، فشار، رقیت، فساد و استثمار افزایش می‌یابد. ولی در عین حال شورش طبقه کارگر پیوسته شدید تر می‌گردد و مکانیسم روند تولید سرمایه‌داری خود آنها را به اتحاد و سازمان یافتن می‌کشاند. انحصار سرمایه برای شیوه تولیدی که خود با آن و زیر تأثیر آن شکوفندگی یافته است به صورت مانعی در می‌آید. تمرکز وسایل تولید و اجتماعی شدن کار به نقطه‌ای می‌رسد که دیگر با پوسته سرمایه‌داری خود سازگار نیست. این پوسته می‌ترکد. ساعت مرگ مالکیت خصوصی سرمایه‌داری فرا می‌رسد. خلع بدکنندگان خلع بد می‌شوند.» (کاپیتال ترجمه ایرج اسکندری جلد اول ۶۹۱-۶۹۰).

فراهم شدن شرایط گذار را در چند زمینه نشانه می‌دهد. سرمایه‌داری لزوماً با زندگی شهری پیوند دارد و به برپا کردن و گسترش شهرها و تمرکز هرچه بیشتر تولید در کارخانه‌های بزرگ دست می‌زند. در کشورهای و در شهرها کارخانه‌ها بیشتر و بزرگتر می‌شوند. نتیجه این روند گرد آمدن انبوه رنجبران هم سرنوشت در مکانهای محدود و پیوندیابی آنان با یکدیگر است. این توده انبوه شده در شهرها و کارخانه‌ها، برپایه زندگی می‌برند، با مشاهده شکاف دم‌افزونی که آنان را از سرمایه‌داران جدا می‌کند، و با درک سرنوشت مشترکی که همه آنان را بهم پیوند می‌دهد، کم‌کم به خود آگاهی طبقاتی می‌رسند. در روند تمرکز سرمایه، مالکین کوچک، اقشار خرده بورژوا، بیش از پیش سلب مالکیت می‌شوند. سرمایه‌داران بزرگ از این نیز فراتر می‌روند و به سلب مالکیت از رقیبان ناتوان‌تر خود می‌پردازند. سر انجام با پیدایش شرکتهای سهامی و انحصارات بزرگ، رابطه پیشین سرمایه داران با سرمایه خودشان تغییر می‌کند و آنها حضور و نظارت بر کارکرد سرمایه خویش را رها می‌کنند و آن را به کارگزاران خود می‌سپارند. پس، مالکیت خصوصی بیش از پیش زائد بودن خود را آشکار می‌کند. این واقعیت از چشم رنجبران پنهان نمی‌ماند. در همین راستا شکاف بین زندگی سرمایه‌داران که از همه چیز برخوردارند و پرولتاریا که زندگی بخور نمیری را سپری می‌کند شدیدتر می‌شود. این وضعیت، و رنجی که از آن متوجه پرولتاریا می‌شود، سرانجام آن را از طبقه‌ای

شرایط گذار

بلکه برانداختن مالکیت بورژوازی است... اما، از آنجا که سرمایه‌داری به دلیل سلب مالکیت از اکثریت آماج انقلاب سوسیالیستی می‌گردد، سلب مالکیت از آن به «برانداختن مالکیت خصوصی» می‌انجامد. لیکن، از یک دیدگاه می‌توان گفت برانداختن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید به معنی پایان دادن به رابطه مالکیتی انسان بر نیروهای مولده و فرآورده کار خود و قطع کنترل وی بر عمل تولیدی خویش نیست، بلکه می‌توان گفت احیای مجدد آن، اما در شکل اشتراکی است. در واقع، از راه اشتراکی و اجتماعی شدن مالکیت بر وسایل تولید، رابطه مالکیتی (نه مالکیت خود اقرار) به یک تعبیر به تساوی میان همه اعضای جامعه توزیع می‌گردد و شرایطی فراهم می‌شود که همه خود را در مالکیت و نظارت و کنترل وسایل تولید سهیم ببینند و بر این پایه سود خود را با سود جمع و جامعه گره بزنند و با موقعیت خویش در تولید و با کار خود یگانگی پیدا کنند. توجه به این مسأله می‌تواند ما را در بررسی و شناخت کژروی‌ها و سرانجام شکست کشورهای سوسیالیستی بسیار یاری بدهد. در مبحث یگانگی از دید مارکس به این مسأله بیشتر می‌پردازیم.

ادامه دارد

باید منجر به این شود که از خود در مقابل نقش و مقام سیاست، نقش و مقام سازمانهای سیاسی سؤال نمائیم؟ عبارت دیگر آیا شناخت و آگاهی باید منجر به ناامیدی از درک دیگر سیاست بشود؟ آیا باید از آرمانها و اهداف قاطع ابراز شده مارکس از ضرورت یک اقدام سیاسی روشن چشم‌پوشی نمود؟ ساختار شناخت همانند انتقال آن به جامعه، دربرگیرنده ابعاد غیرقابل وصفی است. مرز بین تلاش در شناخت و دگرگونی جامعه، غیر قابل گذر و غیر متحرک نیست، مگر آنکه از امید به یک زندگی انسانی‌تر و همراه آن از ایده‌های که این امید را بتواند برانگیزد، چشم‌پوشی کنیم. چگونه می‌توان رابطه بین شناخت، تئوری و جنبش اجتماعی دگرگون‌ساز را طرح‌ریزی نمود طوری که از خطای فاجعه‌بار دیروز اجتناب کرد و آن را به یک اهرم آزادی‌بخش انسان مبدل کرد؟ منظور از چشم‌پوشی به هم‌مربوط نمودن رابطه بین جنبش در حوزه شناخت و دگرگونی اجتماعی نیست. بلکه موضوع به نوع یگیری از فکر کردن در باره شرایط رابطه و خود این رابطه است. این سؤال به نظرات جدید در باره مارکس و بالاتر از آن رابطه جدید جنبش و حرکت در حوزه شناخت مربوط می‌شود. این سؤال در قلب سئوالات و تجربیاتی است که چه بخواهیم و چه نخواهیم در راستایی است که توسط مارکس نشان داده شده و هیچکس مدعی داشتن جواب کامل و قطعی برای آن نیست.

در عین حال شورش طبقه کارگر پیوسته شدید تر می‌گردد و مکانیسم روند تولید سرمایه‌داری خود آنها را به اتحاد و سازمان یافتن می‌کشاند. انحصار سرمایه برای شیوه تولیدی که خود با آن و زیر تأثیر آن شکوفندگی یافته است به صورت مانعی در می‌آید. تمرکز وسایل تولید و اجتماعی شدن کار به نقطه‌ای می‌رسد که دیگر با پوسته سرمایه‌داری خود سازگار نیست. این پوسته می‌ترکد. ساعت مرگ مالکیت خصوصی سرمایه‌داری فرا می‌رسد. خلع بدکنندگان خلع بد می‌شوند.» (کاپیتال ترجمه ایرج اسکندری جلد اول ۶۹۱-۶۹۰).

شرایط گذار

بلکه برانداختن مالکیت بورژوازی است... اما، از آنجا که سرمایه‌داری به دلیل سلب مالکیت از اکثریت آماج انقلاب سوسیالیستی می‌گردد، سلب مالکیت از آن به «برانداختن مالکیت خصوصی» می‌انجامد. لیکن، از یک دیدگاه می‌توان گفت برانداختن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید به معنی پایان دادن به رابطه مالکیتی انسان بر نیروهای مولده و فرآورده کار خود و قطع کنترل وی بر عمل تولیدی خویش نیست، بلکه می‌توان گفت احیای مجدد آن، اما در شکل اشتراکی است. در واقع، از راه اشتراکی و اجتماعی شدن مالکیت بر وسایل تولید، رابطه مالکیتی (نه مالکیت خود اقرار) به یک تعبیر به تساوی میان همه اعضای جامعه توزیع می‌گردد و شرایطی فراهم می‌شود که همه خود را در مالکیت و نظارت و کنترل وسایل تولید سهیم ببینند و بر این پایه سود خود را با سود جمع و جامعه گره بزنند و با موقعیت خویش در تولید و با کار خود یگانگی پیدا کنند. توجه به این مسأله می‌تواند ما را در بررسی و شناخت کژروی‌ها و سرانجام شکست کشورهای سوسیالیستی بسیار یاری بدهد. در مبحث یگانگی از دید مارکس به این مسأله بیشتر می‌پردازیم.

سندیکایی و نیز نقش افراد و روابط بین آنان از خودکاستیها و محدودیتهای را نشان داده است. در نتیجه وضعیت خاص ارائه راه حل خاص امروزین را ضروری کرده است. این چنین وضعیتی، بطور بیسابقه‌ای حوزه تحقیق را به ساختمان رابطه‌های بین جنبش در حوزه شناخت و دگرگونی اجتماعی التزام می‌بخشد.

چگونه می‌توان شروع به دگرگونی روابط انسانی موجود کرد بدون آنکه در مورد به عقب نشاندن فاصله موجود بین استثمارکننده و استثمار شونده، مقتدر و زیر سلطه اقدامی نشود.

شکل دمکراسی پارلمانی که اعتبار فوق‌العاده‌ای داشت و آنطوری که امروز می‌بینیم به نوعی به بن‌بست سیاسی منتهی شده و بیش از پیش حول تسخیر قدرت و خلع ید افراد و اجتماعات می‌چرخد. چهره «روشنفکر حزبی»، «روشنفکر متعهد» یا «مشاور شاهزاده» کاملاً از دور خارج شده است. هرچند بعضی مواقع تلاشهایی برای طرح مجدد آنها صورت می‌گیرد. آیا امروز شاهد اصطلاحاتی نظیر «کارشناس» یا چهره «روشنفکر مطرح در مطبوعات بویژه رادیو و تلویزیون» به‌مثابه اشکال جدید وسائل زندگی روشنفکر و انفکاک و جُزْجُز کردن زندگی دمکراتیک نیستیم؟

اما اراده مشروع در رد کردن همه اشکال وسیله‌سازی و اختلال مدنی بوجود آمده از آتش سوسیالیسم دولتی، می‌بایستی ضرورتاً با نفی سازمانهای سیاسی همراه باشد یا

در آستانه امروز

ادامه از صفحه ۸

بجاست که در همین جا این نکته را یادآوری کنیم که مارکس یکی از خوشبین‌ترین اندیشمندان نسبت به انسان است و به معنای کامل کلمه انسان دوست است. این خوشبینی پابرجا و همیشگی مارکس در باره انسان، که او را در جایگاه یکی از بزرگ‌ترین هومانیت‌های تاریخ قرار می‌دهد، در ارزیابی وی از سرشت و سرنوشت تاریخ بسیار مؤثر بوده است. از جمله با توجه به همین ویژگی است که این نظر لنین که می‌گوید مارکس تمام ضرورت سوسیالیسم را از اقتصاد سرمایه‌داری نتیجه می‌گیرد دقیق نمی‌نماید. خوشبینی مارکس نمی‌تواند در ایمان سترگ وی به برپایی جامعه بهشتی کمونیستی بی‌تأثیر بوده باشد.

مارکس در رابطه با چگونگی عملکرد عامل اقتصادی و طبقاتی در گذار ناگزیر سرمایه‌داری به سوسیالیسم چنین می‌نویسد: «مالکیت شخصی مبتنی بر کار شخصی، مالکیتی که می‌توان گفت شخصیت رنجبر مستقل را با شرایط کارش پیوند می‌داد، بوسیله مالکیت خصوصی سرمایه‌داری، که بر پایه استثمار کار ظاهراً آزاد قرار گرفته است، بیرون رانده شد. هنگامیکه این روند دگرگونی به اندازه کافی ژرفا و درازای جامعه کهن را فرا گرفت، هنگامیکه کارگران به پرولتاریا و وسایل کارشان به سرمایه بدل گردید، هنگامیکه شیوه تولید سرمایه‌داری بروی پای خویش استوار شد، آنگاه اجتماعی شدن باز هم بیشتر کار و مبدل شدن با زهم بیشتر زمین و دیگر وسایل تولید به صورت بهره‌برداری اجتماعی و لذا به صورت وسایل تولید جمعی، و بنا بر این سلب مالکیت بعدی مالکین خصوصی، شکل جدیدی بخود می‌گیرد. آنگاه دیگر کارگر اقتصاد سرخود نیست که سلب مالکیت می‌شود بلکه از سرمایه‌دارانی که هزاران کارگر را استثمار می‌کند سلب مالکیت می‌گردد... با کاهش پیوسته تعداد سرمایه‌داران کلان، یعنی آنان که تمام سود این روند تحولی را بهره خود کرده، به انحصار خود در می‌آورند،

نظرات جدید در...

ادامه از صفحه ۹

تولیدی در راستای پشت‌سرگذاردن نظام سرمایه‌داری تلاش می‌ورزد، باید بر تنوع جنبش مردمی که تنها عامل دگرگونی است متکی باشد. در این مثنی جوهر یک حزب انقلابی به منبع و اساس یک تئوری که «مارکسیسم» و مضافاً «علمی» باشد، محدود نمی‌گردد. موضوع با اهمیت دیگری که در کشفيات، تئوری‌سازی و آینده‌نگری مارکس وجود دارد، عیارتست از درک جامعه و پشت‌سرگذاردن نظام سرمایه‌داری.

یک عقیده در حال زایش است. اینکه بشریت در مقابل تضادهای مهمی قرار دارد. نظری که معتقد به غیر قابل پشت‌سرگذاردن نظام سرمایه‌داری است و وسیعاً به زیر علامت سؤال رفته است. سئوالی که طرح می‌شود این است که: چگونه بشر می‌تواند با پیشرفتهای خود به مفهوم وسیع آن، بمقابله با تهدیدات خطر گسترش فقر جهانی برخیزد؟ در عین حال، حوزه تحقیق و شناخت بیش از پیش با مسائل عددهای برخورد می‌کند. در رابطه با دگرگونی ابزارهای مادی و فکری و تبدیل بیش از پیش کار یدی به فکری، نیاز به همکاری‌ها و تعاونی‌های جدید بسط می‌یابند.

در برابر این مسائل جواب و راه حل‌های ارائه شده تاکنون و نقش روشنفکران و سازمانهای سیاسی و

هشتادمین سالگرد

بنیانگذاری

حزب چپ سوئد

در پی «شورش نان» در گوتنبرگ و اعتراض به گرانی و برای ۸ ساعت کار در روز، در تاریخ ۱۳ تا ۱۶ ماه مه ۱۹۱۷ اعضای ناراضی حزب سوسیال‌دمکرات کارگری سوئد اقدام به تاسیس حزب جدیدی بنام «حزب سوسیال‌دمکرات چپ» نمودند. این حزب در تاریخ خود چهار بار نام خود را تغییر داده است. در سال ۱۹۱۹ در کمیته‌ترین پیوست و در سال ۱۹۲۱ نام خود را از «حزب کمونیست سوئد» تغییر داد. در سال‌های بعد نام حزب به «حزب کمونیست چپ» و در سال ۱۹۹۱ با حذف کمونیسم از برنامه حزب این کلمه از نام آن نیز حذف شده و حزب نام «حزب چپ» را بر خود نهاد. در اکثر انتخابات پارلمانی سوئد بین ۴ تا ۵٪ آرا را به خود اختصاص داده است. ولی در سال‌های اخیر محبوبیتش افزایش یافته و در انتخابات سال ۱۹۹۴، ۶/۴٪ آرا را بدست آورد.

خانم گوردون شیمان در مراسم ۸۰مین سالگرد تاسیس حزب ضمن اشاره به مبارزه بی‌گنجه حزب برای عدالت اجتماعی و دمکراسی گفت: «ما به تاریخ خود افتخار می‌کنیم اگر چه بخشی از آن را نقد کرده و از آن فاصله گرفته‌ایم، چیزی که هیچ حزب دیگری در سوئد قادر به آن نبوده است.» وی اضافه کرد، ما در جهانی زندگی می‌کنیم و چپ باید خود را با شرایط جدید وفق دهد. او همچنین اشاره کرد که «این طبیعی است که شناخت امروز ما با دهه‌های گذشته قابل مقایسه نیست ولی ما این ادعا را که مبارزه برای آرمان عدالت و دمکراسی کهنه شده است را تاب نمی‌آوریم.»

در برنامه حزب چپ طبق آخرین کنگره آن در سال ۱۹۹۶ این حزب، حزبی سوسیالیست و طرفدار حفظ محیط زیست و فمینیست می‌باشد.

در سال ۱۹۷۷ انشعابی در این حزب صورت گرفت. حزب چپ سوئد از جمله احزاب «اورو کمونیست» بود که اردوگاه شرق را از همان سالهای ۱۹۶۷ مورد انتقاد قرار می‌داد، از جمله استالیسیسم و تفاوت‌های طبقاتی در شوروی، بوروکراسی حاکم و اشغال پراگ توسط ارتش سرخ در سال ۱۹۶۸ را می‌توان نام برد. حزب چپ در مبارزه علیه فاشیسم، راسیسم و نازیسم و برای همبستگی بین‌المللی از پیشاهنگان سوئد بوده است. از جمله این فعالیت‌ها کمک به پناهندگان یهودی فرار کرده از جنگ نازیسم هیتلری و کمک به جنبش‌های رهاییبخش و ترقیخواه در ویتنام، یونان، شیلی و اسپانیا را می‌توان برشمرد. در دفاع از حکومت مردمی اسپانیا علیه فرانکو، هیتلر و موسولینی در بریگارد بین‌المللی همبستگی با مردم اسپانیا حدود ۵۲۰ نفر سوئدی شرکت داشته‌اند که ۱۶۰ تن از آنان جان خود را از دست دادند. ۶۰ درصد از این رزمندگان عضو حزب بودند.

حزب چپ در رابطه با مسائل ایران یکی از فعال‌ترین احزاب پارلمانی سوئد است و دارای وسیع‌ترین رابطه با نیروهای اپوزیسیون ایرانی می‌باشد. در حزب چپ تعداد زیادی افراد ایرانی‌الصل عضویت دارند. ما ۸۰مین سالگرد بنیانگذاری حزب چپ را تبریک می‌گوییم. در مراسمی که به این مناسبت برگزار گردید نماینده سازمان ما نیز شرکت کرد.

فرار دیکتاتور ژئیر



عنوان دژ مستحکمی علیه نفوذ کمونیسم در آفریقا از حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی برخوردار بود. موبوتو در دوره زمامداری‌اش روابط بسیار عمیق و گسترده‌ای با فرانسه داشت. پس از پایان جنگ سرد و تحولات سیاسی نوین در آفریقا لوران کابیلای رهبر شورشیان ژئیر با پشتیبانی ضمیمی آمریکاییان

موبوتو سسکو پس از ۳۲ سال دیکتاتوری در ژئیر، مجبور به ترک کینشازا پایتخت ژئیر (کنگو) شد. پس از دیدار کابیلای رهبر شورشیان با نلسون ماندلا رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی که نقش میانجی را در نزاع طرفین بر سر قدرت در ژئیر به عهده داشت، کابیلای به موبوتو چهار روز فرصت داد که قدرت سیاسی را بدون خون‌ریزی به او واگذارد. یک روز پس از اوتیما توم کابیلای، موبوتو کینشازا را به سوی شمال ژئیر ترک کرد. آفریقای مرکزی در سال‌های اخیر یکی از کانون‌های جدی بحران در جهان پس از جنگ سرد شده است. با فرار موبوتو یکی دیگر از دیکتاتورهای آفریقا از صحنه سیاست خارج شد. موبوتو که به عنوان دستیار موسی چومبه و بلژیکی‌ها در سال ۱۹۶۱ در برکناری و قتل پاتریس لومومبا شخصیت برجسته و نخست‌وزیر کنگوی مستقل، نقش اساسی به عهده داشت پس از به دست گرفتن قدرت در سال ۱۹۶۵ با اتکا به نیروهای ارتش سیستمی را بنا نهاد که در آن منابع طبیعی ژئیر در اختیار شرکت‌های غربی گذاشته شد. او با اعمال خشونت هرگونه ندادی آزادیخواهان در ژئیر را سرکوب کرد. در تمامی دوران جنگ سرد، غرب از موبوتو پشتیبانی کرد و رژیم او به

تهاجم ارتش ترکیه به حزب کارگران کرد ترکیه

#ارتش ترکیه تا عمق ۴۰ کیلومتری خاک عراق نفوذ کرده است

به گزارش خبرگزاری نیمه‌رسمی آناتولی، ارتش ترکیه در تعقیب پارتیزان‌های حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) وارد خاک عراق شد در این تهاجم گسترده که صبح روز چهارشنبه هفته گذشته با شرکت ۵۰ هزار سرباز و با حمایت ۲۵۰ تانک، ده‌ها جنگنده بمبافکن و هلی‌کوپتر توپدار آغاز شد، ده‌ها تن از چریک‌های پ.ک.ک و مردم غیرنظامی کردستان به قتل رسیدند. ارتش ترکیه ادعا کرد که این تهاجم به دعوت حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و برای یاری به این حزب صورت گرفته است. بارزانی در گفتگو با خبرنگاران بدون آن که به دعوت خود از ارتش ترکیه اشاره کند، اظهار داشت حضور نیروهای پ.ک.ک در داخل خاک عراق و تردد آنان در مناطق مرزی باعث شده است ۴۰۰ روستای منطقه خالی از سکنه شود. سربازان ترکیه به عمق ۴۰ کیلومتری داخل خاک عراق نفوذ کرده‌اند تا بتوانند از عقب‌نشینی پارتیزان‌ها به ایران و سوریه جلوگیری کنند. دولت عراق در اعتراض به نقض حاکمیت ارضی این کشور توسط ترکیه، با ارسال نامه‌ای از دبیر کل سازمان ملل خواست که سریعاً

مورد تحقیر قرار گرفتند، مناطق زیستی آنان از نظر اقتصادی عقب‌نگه داشته شد، یا سقوط نجیب‌الله در آوریل ۹۲ آنها قدرت اقتصادی با سیاسی و نظامی پیدا کردند و خودمختاری فرهنگی کسب کردند. آنها حاضر نیستند که در مقابل ناسیونالیسم پشتون‌های مذهبی تسلیم شوند. برنام‌های که طالبان اکنون با «پاکسازی» ملی پیش می‌برد. آنها را در مقاومت‌شان مصرتتر خواهد کرد. طالبان از اولین حملات خود تاکنون، در استان‌های شمالی کابل صدها هزار تاجیک را کوچ داده‌اند، کسانی که به زبان دری یعنی زبان تاجیک‌ها و زبان دوم رسمی صحبت کنند، شلاق می‌خورند. «پشتون» سازی وحشیانه. طالبان به نام «خواست خدا» در روی زمین مردم را به شلاق می‌بندد، در «سرزمین خدا» آنها با انسان‌ها مانند حیوانات رفتار می‌کنند. روزانه صدها هزار تن را با شلاق به طرف مساجد روانه می‌کنند. هتک حیثیت و شرافت به اشکال مختلف: شلاق زدن، سنگسار، به بردگی کشاندن زنان، آداب اخلاقی قرون وسطایی - این است «نظم و آرامش» آن‌ها - آرامش گورستان.

مورد تحقیر قرار گرفتند، مناطق زیستی آنان از نظر اقتصادی عقب‌نگه داشته شد، یا سقوط نجیب‌الله در آوریل ۹۲ آنها قدرت اقتصادی با سیاسی و نظامی پیدا کردند و خودمختاری فرهنگی کسب کردند. آنها حاضر نیستند که در مقابل ناسیونالیسم پشتون‌های مذهبی تسلیم شوند. برنام‌های که طالبان اکنون با «پاکسازی» ملی پیش می‌برد. آنها را در مقاومت‌شان مصرتتر خواهد کرد. طالبان از اولین حملات خود تاکنون، در استان‌های شمالی کابل صدها هزار تاجیک را کوچ داده‌اند، کسانی که به زبان دری یعنی زبان تاجیک‌ها و زبان دوم رسمی صحبت کنند، شلاق می‌خورند. «پشتون» سازی وحشیانه. طالبان به نام «خواست خدا» در روی زمین مردم را به شلاق می‌بندد، در «سرزمین خدا» آنها با انسان‌ها مانند حیوانات رفتار می‌کنند. روزانه صدها هزار تن را با شلاق به طرف مساجد روانه می‌کنند. هتک حیثیت و شرافت به اشکال مختلف: شلاق زدن، سنگسار، به بردگی کشاندن زنان، آداب اخلاقی قرون وسطایی - این است «نظم و آرامش» آن‌ها - آرامش گورستان.

آن آمریکا می‌خواهد که نفت و گاز شمال افغانستان را به این لوله سراسری وصل کند، یعنی یک معامله بسیار پرسود. این مناطق اکنون در دست ژنرال دوستم است. در صورتی که ژنرال دوستم موفق شود، راه تجاری پاکستان با آسیای میانه نیز قطع می‌شود. در این حالت پاکستان باید در سیاست خود در مورد افغانستان تجدید نظر کند. بدین ترتیب طالبان از نظر اقتصادی فقط به صادرات مواد مخدر وابسته می‌ماند. رادیو شریعه کابل در اواخر ژانویه اعلام کرد: «آری ما تریاک و هروئین تولید می‌کنیم اما فقط برای اینکه به غربی‌های بی‌خدا ضربه بزنیم. دلارها و تانک‌ها و کلاشکف‌های پاکستان به طالبان کمک کرد تا کابل پیش‌رو، آنها در این پیش‌روی کسانی را که از قبیله خودی (پشتون) بودند و در جبهه دیگری می‌جنگیدند، توانستند بخرند. ولی در پیش‌روی آنها به سمت شمال آنها در مقابل خلق‌های ازبک، ترکمن و هزاره قرار دارند. این خلق‌ها از جنس دیگری هستند، آنها صد سال به عنوان انسان‌های درجه دوم قلمداد شدند، و

عقب‌نشینی واداشت و در این حملات ۱۵۰۰ تن از طالبان و ۳۰۰ تن از سربازان ژنرال دوستم به قتل رسیدند و غنائم جنگی زیادی به دست نیروهای دوستم افتاد. سرنوشت افغانستان در شمال غربی مشخص می‌شود. نیروهای نظامی دوستم در منطقه نزدیک هرات که از آن طریق طالبان به ترکمنستان و آسیای مرکزی راه پیدا می‌کنند، مستقر شدند. تنگه سالنگ نیز مسدود شده‌است، در شمال شرقی نیز، در دروازه تاجیکستان متحدان دوستم، نیروهای رئیس‌جمهور سابق برهانی و احمدشاه مستقر شده‌اند. چنانچه دوستم بتواند این ارتباط را قطع کند و به طرف هرات پیش‌روی کند، طالبان در حقیقت پشتیبانان خود را از دست می‌دهد، زیرا سیل دلارهای کنسرن‌های آمریکایی اوتوگال و دلتا و دلارهای CIA برای طالبان به دلیل حساب بازکردن روی طالبان و ایجاد خط لوله نفت و گاز ترکمنستان از طریق افغانستان جاری بود. آنها روی این پروژه ۶/۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری کرده و قراردادی هم با رژیم عشق‌آباد بستند، علاوه بر

رادیو طالبان: «آری ما هروئین و تریاک تولید می‌کنیم»

دکتر مصطفی دانش متخصص امور افغانستان در نشریه فرانکفورتر روندشاو (۲۸ آوریل) گزارشی به چاپ رسانده است که در زیر متن آن را می‌خوانید: طالبان در حملات فصل زمستان، در افغانستان توانست پیروز شود. در حملات شدیدتری که طالبان در ماه ژانویه انجام داد. در چهل کیلومتری تنگه سالنگ متوقف ماند. این جاده در دست ژنرال دوستم قرار دارد. اکنون «طلبه‌های مکتب قرآن» تصمیم دارند که از طریق استان بامیان که شیعیان تیره‌زاده زندگی می‌کنند، از راه افغانستان مرکزی و شمال غربی مخالفین خود را در محاصره بگیرند، آری می‌خواهند تنگه شیب در شمال غربی کابل را در تصرف گرفته و از این راه در شمال نفوذ کنند ولی با مقاومت ژنرال دوستم و حزب تیره هزاره یعنی وحدت اسلامی ناکام ماندند. طالبان قسمت اعظم نیروهای خود را در منطقه شمال غربی بدقیس که به دلیل شرایط جغرافیایی امکان استفاده از تانک وجود دارد، متمرکز کرده است. دوستم در طی حملات متعدد از ماه ژانویه به بعد، طالبان را ۸۰ کیلومتر به

فروشندگان مرگ

پایان جنگ سرد از خطر بروز جنگ هسته‌ای بین بلوک‌های شرق و غرب کاست. اما بحران‌های منطقه‌ای، مناقشات مرزی و جنگ‌های قبیله‌ای و قومی که امکان ادامه دارند و به طبع آن بازار فروش اسلحه طی سالهای گذشته از رونق بی‌نظیری برخوردار بوده است. ۲۰ کنسرن تولید سلاحهای جنگی طی سال ۱۹۹۵ پیش از صد میلیارد دلار فروش داشته‌اند. در این مسابقه خونبار شرکت‌های آمریکایی «لوک هدمارتین» در حدود ۲۰ میلیارد دلار و «مک‌دانلد داگلاس» - بوئینگ» با فروش ۱۸ میلیارد دلار اسلحه در بازار جهانی بالاترین مقام را دارا هستند که ۵ میلیارد دلار از آن سود خالص است. ایالات متحده توانست در این سالها میزان فروش اسلحه خود در سطح جهان را از ۲۵ به ۵۰ درصد افزایش دهد. صدور اسلحه توسط دولت انگلیس ۲۰ درصد کل صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد و حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر در صنایع تسلیحاتی این کشور مشغول بکار هستند و صدور تسلیحات بخش مهمی از سیاست خارجی دولت فرانسه را تشکیل می‌دهد.

رتبه	کنسرن	کشور	میلیارد دلار
۱	لوک‌هد مارتین	آمریکا	۱۹/۴
۲	مک‌دانلد داگلاس	آمریکا	۱۰/۱
۳	بوئینگ	آمریکا	۷/۸
۴	بریتیش‌ایروسپیس	انگلیس	۶/۵
۵	هوگس الکترونیک	آمریکا	۶/۰
۶	نورهورپ گورومان	آمریکا	۵/۷
۷	تومسون‌س.اس.اف	فرانسه	۴/۷
۸	جنرال الکترونیک	انگلیس	۴/۱
۹	رایتون	آمریکا	۴/۰
۱۰	یونایتد تکنولوژی	آمریکا	۳/۷
۱۱	لاگارد	فرانسه	۳/۳
۱۲	دایملربنز	آلمان	۳/۳
۱۳	داسولت	فرانسه	۳/۱
۱۴	جنرال دینامیک	آمریکا	۲/۹
۱۵	ایروسپاتاله	فرانسه	۲/۹
۱۶	فین مسکانیکا	ایتالیا	۲/۶
۱۷	لیتون‌ایندوستری	آمریکا	۲/۴
۱۸	میتسویشی	ژاپن	۲/۲
۱۹	جنرال الکترونیک	آمریکا	۲/۲
۲۰	نیوپورت‌نیوز	آمریکا	۱/۸

فروش اسلحه توسط ۲۰ کنسرن تسلیحاتی جهان در سال ۱۹۹۵

گروگان‌ها در میان باشد نزد خود احساس وظیفه می‌کنند. آنان درست برعکس فوجی موری جلاد که ارزشی برای جان انسان‌ها قائل نیست برای جان انسان‌ها ارزش قائلند. تمام گروگان‌گیران در محل گروگان‌گیری اعدام شدند. یک وزیر دولت ژاپن پس از خاتمه گروگان‌گیری اظهار داشت، که گروگان‌گیران مستحق مرگ بودند.

ادامه در صفحه ۱۱

دو نوع گروگان و دو نوع گروگان‌گیر

از هفته‌نامه آزادی، ارگان حزب کمونیست نروژ شماره ۱۸

برگردان: صادق کارگر - نروژ

در چنان حالی می‌بایستی او هم شرم‌زده می‌بود و هم با خطر شکایت شاکیان روی‌درو می‌شد. اینک پس از ختم ماجرای گروگان‌گیری او عزت و احترام درومی‌کند. حقیقت مطلب این است که کسانی که برای تحقق مطالبات قرامبارزه می‌کنند زمانی که پای جان

متضاد اصول اخلاقی فوجی موری. چنانچه گروگان‌گیران از اصول اخلاقی مشابه فوجی موری برخوردار می‌بودند می‌بایستی تعدادی از گروگان‌ها به هنگام تهاجم ارتش کشته می‌شدند که خوب در چنان صورتی فوجی موری با وضعیت و موقعیتی متفاوت مواجهه بود.

با وجود اینکه گروگان‌گیران وقت و امکان کافی برای کشتن داشتند، گروگان‌های خود را نکشتند، فوجی موری فاشیست تلاش خود را معطوف بدان کرده بود که گروگان‌ها را سالم رها کند. او می‌دانست گروگان‌گیرها به لحاظ اخلاقی پایبند اصول اخلاقی خاص خود هستند. اصولی متفاوت و